

کارگران
و زحمتکشان
متحد شوید

ایمانگاه

گرمکاران
و زحمتکشان
به یک گون

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان

بها، ۵۰ ریال

بهمن ۱۳۶۳

دوره جدید سال سوم - شماره ۲۶

سرمه ۲

وضعیت
ناشی از درگیریهای
حزب و کومه له و ضرورت
پایان دادن به آن

با شروع مجدد درگیری بین
پیشمرگان حزب دمکرات کردستان
ایران و کومه له در منطقه اورامان
در روز ششم بهمن ماه، روابط دو
نیروی مذکور یکبار دیگر وارد
مرحله حساس و جدیدی گشت.
این درگیری که هر یک بر سر
غیرمغولانه با اقدامات مشترک
فیمابین و مسائل مربوط به
درگیری ۲۵ آبان ماه گذشته
پیشمرگان دو طرفه و این بار با
هدایت آگاهانه کومه له، امکان
بروز مجدد یافت، مناصب
در صفحه ۲



پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بناسبت

پانزدهمین سالروز تأسیس

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

و هفتمین سالروز قیام مسلحانه ۲۲ بهمن

خطاب به کارگران و زحمتکشان ایران

صفحه ۳

در باره
تکرار درگیریهای حزب دمکرات
و کومه له
واقعات جهت جلوگیری از گسترش
آتش آن

صفحه ۲

اطلاعیه های کمیته کردستان

بسی تشکیل حزب طبقه کارگر
علیه بسی حزبی
(قسمت آخر)

۳ حزب کمونیست کومه له:
حزب ضرورت
یا
ضرورت بی حزبی

زمانی که گفته می شود حزب
کومه له از این با آن مختصات معین
طبقاتی برخوردار است و از مؤلفه های
سیاسی و تشکیلاتی مشخصی در
تأسیس عرصه ها پیروی می کند که
سلما نه تنها کمونیستی نیستند
نه تنها هیچ کدام از ملزومات مینس و
ذهنی مبارزه کنونی طبقه کارگر
ایران را در شرایط و مرحله کنونی
رشد تشکل و آگاهی آن پاسج
نمی گیرند بلکه عملاً در جهت

گرامی باد

خاطره شهدای

۲۳ بهمن ۱۳۶۱

صفحه ۲۹

تخطئه صیارات طبقه کارگر و
اهدای و آمال تاریخی و مشخص آن
گام برمی دارند، سلما این سوال
برای هر خواننده ای طرح می گردد
بر این حزب حصول چه نیازهای
ممین و در ادامه کدام تلاش
طبقاتی مشخص در جامعه امروز
ماست و مارکسیسم انقلابی این حزب
حاصل جمع کدام گرایش طبقاتی
ممین و از چه جایگاهی برخوردار
است؟

در صفحه ۹

اخبار عملیات پیشمرگان فدائی

گرامی باد یاد
جان باختگان حماسه
سیامسکل

گرامی داشت خاطره
رهبران شوراهای خلق ترکمن

هه موو میله تیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه یه

وضعیت ناشی از درگیریهای

از صفحه ۱

سیاست های همگسی طرفین در برخورد به اختلافات خود زمینه را برای درگیریهای هر چه بیشتر و گسترده تر هموار نموده و به این درگیریها ابعاد مراسری داده.

امروز دیگر بر هیچ کس پوشیده نیست که در فقدان یک راه حل اصولی، رابطه بین دو نیرو به یک بن بست ناگزیر رسیده است و آخرین فرصت های دستیابی به یک راه حل سیاسی برای جلوگیری از درگیریهای حزب دمکرات و کومه له و گسترش ابعاد آن ها، در حال سپری شدن است.

وضعیتی که امروز و در نتیجه گسترش درگیریهای حزب دمکرات و کومه له بر جنبش انقلابی خلق کرد حاکم گردیده است، یعنی وضعیت جنگی حاصل از برخورد های این دو نیرو، یعنی مبارزاتی جنبش را کاملاً به مخاطره افکنده و انرژی بخش می از نیروی فعال آن را صرف آرایش نظامی مقابل نموده است. صلح است که ادامه چنین وضعیتی، یعنی جنبش انقلابی خلق کرد را با زیان های جبران ناپذیری روبرو خواهد ساخت و برخوردی و انفجار را در درون آن دامن خواهد زد، قربانیان هر چه بیشتری را در کام خود فرو خواهد بلعید، هرج و مرج و ترور و وحشت را در ابعاد گسترده و غیرقابل کنترلی دامن خواهد زد. از تمرکز نیرو در جبهه دشمن خواهد گشت (۱)، جو دمکراتیک حاکم بر جنبش انقلابی

خلق کرد و اهداف اساسی آنرا لگن مال خواهد کرد و خود به زمینه ای برای نفس دستاوردهای آن از سوی این یا آن نیرو تبدیل خواهد گشت

آنچه که به نقش و برخورد حزب و کومه له بر می گردد؛ جدا از برخورد هایی که هر کدام از طرفین در موارد شخص داشته اند، باید گفت صیقلیت اداه وضعیت جنگی فعلی و تمامی عواقب زیانبار آن به گردن آن نیروی است که از ارائه هر گونه راه حل سیاسی و حتی پذیرش آن امتناع ورزیده و بر موضع خود یعنی بر حفظ وضعیت بحرانی کنونی با توسل به هر بهانه ای اصرار می ورزد و حتی به توجیه بسیاری از برخوردهای غیر دمکراتیک در سطح جنبش انقلابی خلق کرد نیزه برگزیده اتفاق افتاده اند و کاملاً محکوم و محذور هستند، دست می یازد، باید به این واقعیت انعام داشت که جنبش انقلابی خلق کرد، امروز پیش از آن رشد کرده است، پیش از آن رادیکالیسم انقلابی و سطح شعور و فهم سیاسی برخورد دار است که در درون صفوف آن جنبش سیاست هائی بتواند زمینه مانور پیدا کند. سیاست هائی از این قبیل که ضایع خود را نه در رشد و شکوفائی و انکشاف درونی جنبش، بلکه در محدود و محصور ساختن دایره اهداف، اصال و هزلکردن آن جستجو می نمایند، مسلماً در حفظ وضعیت کنونی اهداف معینی را دنبال می کنند و در تلاش بهره گیری از موقعیت

بدست آمده برای پیشبرد اهداف محدود و کوتاه بینانه خود هستند. اما نه تنها جنبش انقلابی خلق کرد در کلیت خود، بلکه توده های زحمتکش خلق کرد نیز امروز از چنان درک و رشد و آگاهی برخوردار هستند که امیر این یا آن سیاست ضایع را صبر و به رشد جنبش نگشته و با استواری و پایداری انقلابی خود که در طول بیش از پنج سال گذشته بر تمامی عرصه ها آن را به نمایش گذاشته اند به دفاع از دستاوردهای مبارزات خونین و قهرمانانه خود برخیزند. و آن سیاستی را که در صدد یامال و محو و نابود کردن این دستاوردها به هر توجیه و از هر طریقی که باشد، محکوم و محذور نمایند. نباید فراموش کرد که قدرت واقعی جنبش کنونی در واقع امر توده های زحمتکش خلق کرد و ایمان خلل ناپذیر آنها به پیروزی اهداف خویش است و هر نیروی تا آنجا از این قدرت نصیب خواهد برد که به این اهداف وفادار بوده و در جهت ضایع جنبش انقلابی توده ها گام بردارد. اعتماد توده ای محمول شایستگی بر مبارزه و پیشبرد هدفمند آن است. زمانی که هدفمندی این یا آن سیاست جهت شخص خواست توده ها را دنبال نکرده بلکه برعکس در مقابل رشد و گسترش آنی آن نیز قرار گیرد، نه تنها ارزش مبارزاتی خود را در میان توده ها از دست خواهد داد، بلکه خود به ضد ارزش نیز تبدیل خواهد گشت. و به مرگشت خم انگیزی گرفتار خواهد شد.

ضرورت پاسخگویی به نیازهای معینی و ملی جنبش

در صفحه ۲۷

(۱) نگاهی به جدول عملیات یک ماهه پیشمرگان خلق کرد در همین شماره، رنگی گل به خوبی این واقعیت را آشکار می سازد که تا چه اندازه از سرعت عملیات پیشمرگان کاسته شده است و چگونه وضعیت ناشی از روابط دودنی و تاثیرات زیانبار خود را در قدرت تهاجمی پیشمرگان خلق کرد پر جای گذاشته است. و یک مقایسه ساده بین جدول این ماه و ماههای قبل و ویژه قبل از درگیری ابعاد این ساله را بیشتر روشن خواهد نمود. ضلای برای مقایسه، بین همین ماه و آبان ماه را در نظر می گیریم.

از ۲۷ مهر ماه تا ۲۷ آبان ماه حدود ۲۶۲ عملیات اعم از کیم و کنترل جاده و صین گذاری، خلع سلاح پایگاه و غیره صورت گرفته است که طی آن ۸۹۵ تن از مزدوران رژیم کشته و مجروح گشته اند و شهیدای پیشمرکه در طول این یک ماه تنها ۲۸ نفر بوده است. در صورتی که از ۲۷ دی ماه تا ۲۷ بهمن ماه فقط ۱۱۵ عملیات صورت گرفته که طی آنها ۳۸ تن از مزدوران رژیم به هلاکت رسیده اند و در عرض بیش از ۶۰ نفر از پیشمرگان حزب دمکرات و کومه له در طول چند روز اول درگیری مشبکات رسیده اند و هنوز که هنوز است، سیر صعودی آمار این شهدا چه به دلیل درگیری دوطرفه و چه به دلیل عدم شناسائی از سوی خود پیشمرگان دوطرف ادامه دارد.

پیام کمیته مرکزی

کارگران و زحمتکشان ایران!
نوزدهم بهمن ماه سالروز
حماسه صاهل، روز بنیانگذاری
سازمان جریکهای فدائی خلق
ایران و ۲۲ بهمن سالروز قیام
عظیم و شکوهمند بهمن ۵۷،
روزی که توده های مردم با قیام
صلحانه خود رژیم سلطنتی را
در ایران بگور میبردند،
بهمنوان دو روز بزرگ و فراخ
نشدنی در تاریخچه مبارزاتی
توده های زحمتکش مردم ایران
فرا رسیده است.

ما اصلا در شرایطی به
استقبال این دو روز بزرگ و تاریخی
می نشینیم که جامعه بهار دیگر
با سرعت به سوی یک رشته تحولات
عظیم سیاسی و دگرگونیهای
بنیان کن انقلابی پیش می تازد.
سازره طبقه کارگر علیه طبقه
سرمایه دار و رژیم جمهوری
اسلامی بلاروه رشد و گسترش
می یابد. جنبش توده ای پیوسته
در حال اعتلاست، بر عصب و ژرفای
بحران اقتصادی و سیاسی افزوده
می شود و رژیم جمهوری اسلامی
پس از شش سال حاکمیتی اقتصادی
و سیاسی پر توده ها به سوی
افساح و فروپاشی قطعی
پیش می رود.

تمام شواهد اقتصادی -
سیاسی و اجتماعی موجود چشم -
انداز این تحولات سیاسی را
آشکار می سازد. تشدید بحران
اقتصادی در کلیه عرصه های
صنعتی، مالی، بازرگانی و کشاورزی
با وضوح دیده می شود. در بخش
صنایع رگور مزین همچنان پابرجاست و
بنا به دلائل مالی، تکنیکی و
سیاسی هیچ چشم انداز رونق و
بهبودی در این خیطه فعالیت
اقتصادی دیده نمی شود. وضعیت
مالی رژیم به شدت رو به وخامت
گذاشته است. خزانه دولت کالاهای
تهی است، کسری عظیم بودجه دولت

از سرز. بسیاری از جوانان گذشته
است. درآمدهای دولت از نفت
به علت کاهش مداوم قیمت نفت
در بازار جهانی در حال تقلیل
یافتن است و دولت مداوماً
اسکناس بدون پشتوانه جتشر
می کند. در کشاورزی نیز به
تبعیت از بحران صنعتی و مالی و
سیاستهای ارتجاعی حاکمیت، عدم
تأمین نیازهای مالی و فنی
دهقانان و فشارهای متعددی که از
سوی دولت نسبت به
دهقانان اعمال می شود، اوضاع
پیوسته وخیم تر شده است. تمامی
پارامترهای بحران همه جانبه
اقتصادی و فشارهای ناشی از آن
بر دوش کارگران و زحمتکشان قرار
گرفته است. استثمار کارگران به
نحو کم سابقه ای تشدید شده
است. دستمزدها آنچنان ناچیز
است که حتی کفای تأمین حداقل
معیشت کارگران را نمی کنند.
شرایط زندگی طبقه کارگر ایران
به سطح بسیار ناآرامی تنزل نموده
است. بخش عظیمی از کارگران
بیکار و در فقر و صکت هولناکی
بصر می برند. کمبود نیازهای
عصبی، تورم افکار گسیخته و
افزایش بی دریغ قیمت کالاهای
انواع و اقسام تحولات نظیر
افزایش مالیاتها و باج گیری های
ضمد در دولتی، چنان وضعیتی را
پدید آورده است که مجموع
توده های مردم در معرض شدید -
ترین فشارهای اقتصادی و مادی
قرار گرفته اند. این روند بحران
اقتصادی ضربه تشدید قواها
و رشد و اعتلا مبارزات
توده های مردم گشته است.

رژیم جمهوری اسلامی که
اساساً با مدار ضایع سرمایه داران و
زحمتکشان است، جز تشدید
و خات اوضاع اقتصادی، انتقال
هرچه بیشتر بار بحران بر دوش
زحمتکشان و وابستگی روز افزون
اقتصادی به امپریالیسم کساری

نگیرده است. انعقاد قرارداد -
های بی دریغ چند صاه اخیر با
دولتهای امپریالیست و انحصارات
بین المللی برای صدور سرمایه
به ایران، تسهیلات و امکاناتی که
در اختیار سرمایه داران بخش
خصوصی قرار گرفته است، خود
گواهیهای دلیلی برای تشدید
وابستگی روز افزون اقتصادی به
امپریالیسم و استثمار قسارت و
چهار کارگران و زحمتکشان
ایران بدست سرمایه داران ایرانی
و بین المللی است. رژیم منظور
انتقال بار بحران به دوش توده ها
و بحران افلاس و ورشکستگی
خود در تلاش است که باز هم بر
همان صالیتهای مستقیم و
غیر مستقیم که پرداخت کنندگان
اصلی آن بر طبق امتداد مدارک
دولتی، کارگران، دهقانان،
خود تولید کنندگان فقیرند
بیافزاید. بر طبق ارقام بودجه
اصال، دولت هزینه های خدمات
درمانی، بهداشتی، آموزشی و بطور
کلی خدمات عمومی را هرچه
بیشتر بر دوش توده ها قرار داده
است و متفریب بهای بلط افزایش
برق، آب، نفت و بنزین نیز افزایش
یافته است.

مجموعه این سیاست های
اقتصادی رژیم مداوماً بر سر
و خات اوضاع افزوده است و شرایط
زندگی توده های مردم را پیوسته
دشوارتر نموده است. طمل این
سیاست اقتصادی تحمل رژیم به
دیگاتوری سرپا و عتاق گسیخته،
سرکوب و اختناق و طلب ابتدائی -
ترین حقوق توده های مردم
بوده است، رژیم برای مقابله با
رشد فزاینده سازره کارگران و
زحمتکشان ایران هرگونه آزادی
سیاسی را نفی نموده، دهها هزار
تن از نیروهای انقلابی را به
جوخه های اقدام صبرده و دهها
هزار تن را در میاهالهای قرون
و صطافی خود به بند کشیده است.

ادامه این سیاست داخلی، در صورت سیاست خارجی به شکل ادامه جنگ ارتجاعی تپسور یافته است که طی چهار سال چنان مشقات و بدبختی‌هایی برای مردم ایران بهار آورده است که هرگز سابقه نداشته است. چه کسی است که از ابعاد حیرت‌آور کشته‌شدگان و معلولین جنگ بی‌اطلاع باشد؟ چه کسی است که به شرایط رقت‌بار زندگی میلیون‌ها آواره جنگی آگاهی نداشته باشد؟ و کدام کارگر و زحمتکشی است که بار عظیم و سنگین این جنگ را بر دوش خود احساس نکند؟

تصای این سیاستهای داخلی و خارجی رژیم ضربه تشدید کننده و رشد روزافزون صادرات و اختراعات کارگران و زحمتکشان ایران شده است. توده‌های مردم دیگر قادر نیستند این همه فشار را تحمل کنند. معوم کارخانه‌ها، کارگران مبارزه مداوم و مستمری را علیه رژیم و سیاستهای آن آغاز کرده‌اند، امواج اعتراضات بی‌سرت در حال گسترش است. تشدید بحران اقتصادی، تشدید بحران سیاسی را بر روی خود داشته است. رشد بحران سیاسی تضادهای و اختلافات درونی رژیم را مدافعه تشدید کرده است. اکنون ابعاد بحران اقتصادی و سیاسی حاکم به مرحله‌ای رسیده است که رژیم با وضعیت کنونی نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد هیچ چشم‌اندازی برای بقا آن تصور نیست و سرنگونی آن قطعی است.

با گسترش دامنه بحران سیاسی و رشد انقلاب مداوم مبارزه توده‌ای اکنون بیش از پیش مخالفین رژیم با دو برنامہ و سیاست اساسی تفاوت در برابر رژیم قرار گرفته و از توده‌های مردمی که جانشان از ستمگریهای متعدد رژیم جمهوری اسلامی به لب رسیده است، می‌خواهند که به آنها اعتماد کنند. در چنین شرایطی کارگران و زحمتکشان ایران باید شناخت دقیق از گروهبندهای سیاسی موجود، مصالح و ماهیت آنها داشته باشند، تا این بار که به قیاسی مجدد برمی‌خورند، به سرنوشت گذشته دچار نشوند. این گروهبندها را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

گروهبندهی سلطنت طلبان،

که سابقه وابستگی و سیاستهای ارتجاعی آنان بر هیچکس پنهان نیست. اینان که دشمن سرکشیده - خورده توده‌های زحمتکشی مردم ایرانند و طی سالها ستمگری و ماهیت رسوای خود را کاملاً آشکار نموده‌اند، مدافعین ضافع سرمایه داران و زمین داران و صواب کاملاً شناخته شده امپریالیسم در ایران محسوب می‌شوند. اینان امروزه در تلاشند که جانی در میان مردم برای خود باز کنند، اما رسوائی آنها بیش از آن است که توده‌های مردم نسبت به آنها توجهمی

با بحرانی تر شدن روزافزون وضعیت رژیم جمهوری اسلامی و چشم‌انداز سرنگونی قطعی آن یک دسته از بااصطلاح واقع بینان در تلاشند که با اتکال به حمایت همه جانبه تر بورژوازی و امپریالیسم و نیز جذب بخشهایی از اپوزیسیون‌های ضدانقلابی بیرون ازحاکمیت و تعدیل در حکومت مذهبی و پند و بیست برای پایان جنگ مانع از سقوط قطعی رژیم جمهوری اسلامی به دست انقلابی گردند.

داشته باشند. کارگران و زحمتکشان ایران این دارو دهنده ضدانقلابی را به خوبی می‌شناسند و هیچگونه توجهمی نسبت به آنها ندارند.

شورای ملی مقاومت در سر - گیرنده گروهها و سازمانهای است که در شورای ملی مقاومت متشکل شده‌اند. اینان هر چند سعی می‌کنند که خود را طرفدار توده مردم و خواستهای آنها جا بزنند، اما نه تنها در اساس خواهان هیچگونه تحول انقلابی در وضعیت موجود ایران نیستند، بلکه خواستار حفظ نظم متحرانه

شورای ملی مقاومت مدافع ضافع طبقه سرمایه دار است و دیکراسی واقعی مخالف است و معوم توده‌های مردم ایران باید هرگونه توهم و اعتمادی را نسبت به آن از دست بدهند.

موجود، حفظ و بقا دستگاه بوروکراتیک نظامی و به اصطلاح امپریالیسم در ایرانند. مخالفت اینان با رژیم جمهوری اسلامی مخالفتشان با شخص خاصی است و نه رژیم جمهوری اسلامی. چرا که اینان نیز خواستار یک حکومت مذهبی در ایران بنام جمهوری اسلامی هستند و همه‌جانبه آزادیخواهان آنها یک فریب و دروغ بیش نیست. کارگران و زحمتکشان ایران پس از تحمل آن همه مشاقبت و بدبختی‌هایی که حکومت مذهبی موجود بهار

آورده است مطمئناً نتکه برقراری یک حکومت ارتجاعی مذهبی دیگر را در ایران تحمل نخواهند کرد. شورای ملی مقاومت ضافع ضافع طبقه سرمایه دار است، با دیکراسی واقعی مخالف است و معوم توده‌های مردم ایران باید هرگونه توهم و اعتمادی را نسبت به آن از دست بدهند.

گروهبندهی دیگری که اخیراً در حال شکستگری است در میان یک جناح از دار و دسته‌های ضد انقلابی در درون حاکمیت و بیرون از آن است. با بحرانی تر شدن

روزافزون وضعیت رژیم جمهوری اسلامی و چشم‌انداز سرنگونی قطعی آن یک دسته از بااصطلاح واقع بینان در تلاشند که با اتکال به حمایت همه جانبه تر بورژوازی و امپریالیسم و نیز جذب بخشهایی از اپوزیسیون‌های ضدانقلابی بیرون ازحاکمیت و تعدیل در حکومت مذهبی و پند و بیست برای پایان جنگ مانع از سقوط قطعی رژیم جمهوری اسلامی به دست انقلابی گردند.

روزافزون وضعیت رژیم جمهوری اسلامی و چشم‌انداز سرنگونی قطعی آن یک دسته از بااصطلاح واقع بینان در تلاشند که با اتکال به حمایت همه جانبه تر بورژوازی و امپریالیسم و نیز جذب بخشهایی از اپوزیسیون‌های ضدانقلابی بیرون ازحاکمیت و تعدیل در حکومت مذهبی و پند و بیست برای پایان جنگ مانع از سقوط قطعی رژیم جمهوری اسلامی به دست انقلابی گردند. نامه نگاریهای اخیر مرتجعینی امثال بنی صدر و مدنی به رفسنجانی و خنجی که استحاله بااصطلاح لیبرالیستی حاکمیت‌یابی پند / خود نشان - دهنده جدگوشی شکست گوی این گروهبندهی در میان بخشهایی از مرتجعین درون حاکمیت و بیرون از آن است. اختلافاتی که اخیراً در درون شورای ملی مقاومت بروز کرده است و منجر به بیرون رفتن بنی صدر و تعدادی دیگر از شورای ملی مقاومت گردید و نیز تحایل حزب دیکراسی گردستانی به مدارک با رژیم، تماماً بازگوکننده این تحولات در صف بندهی‌های سیاسی موجود است. اما بحرانی که رژیم با آن روبروست عظیم تر از آنست که اینان بتوانند از سرنگونی قطعی رژیم جمهوری اسلامی جلوگیری کنند. اوضاع بحرانی موجود و تحقق خواستهای انقلابی توده‌ها، یک درگونی بنیادی و انقلابی را در جامعه می‌طلبد و یگانگی

جمهوری اسلامی و استفسار
جمهوری دمکراتیک خلق، دگرایی،
آزادی، صلح، رفاه اجتماعی و برادر
انسان طوطی امپریالیسم صبر

● اکنون زمان آن فرا رسیده
است که طبقه کارگر ایران در
پیشاپیش مسموم توده های
و محنت کشان ایران و در اتحاد با
دوستان و محنت کشان شهری رژیم
جمهوری اسلامی را سرنگون کند،
قدرت سیاسی را قبضه نماید و به
تمام وضعیت فلات پارسی
پایان بخشد، این تنها راهی
است که در برابر تمام توده های
مردم ایران قرار گرفته است.

نیت: جز تشدید مبارزه برای
سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
و برخاستن به تمام صحنه های
آن، راهی برای نجات توده های
مردم باقی نمانده است.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

نابود باد
امپریالیسم جهانی پرکردگی
امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی
زنده باد صوبالیسم!

کشته مرکزی سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران
هیچدم پهن صفا
یکبار و صمد و شصت و سه

طبقه کارگر ایران همیشه درگیر
زنان آن رسیده است که کارگران
و محنت کشان ایران با بی اقتصادی
مللی، نیت به تمام مخالفان
بورژوازی رژیم با هر شکل و شکیل
زهر انسانی او دارند، اسم از
سلطنت طلبی، و رای ملی مقاومت
و هر دار و ند، بورژوازی دیگر
نمیخواهد و اهداف سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران برای
سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که
جامعه را به آستانه فلاکت و
توده ها را به فقر و محرومی مطلق
موجب داده است به یک تمام مجدد
برخیزند. سازمان ما طی ۱۴ سال
مبارزه بیگانه و خصمانه خود
در دفاع از ضایع طبقه کارگر
و دشمنی با تمامی سرجمعین و
سازشگران، از سبزه های روزی که
صفر کوله فدائیان خلق در
سال ۱۳۴۹ حرکت را در جبهه
آرمانش رژیم شاه درهم شکست و
دفعه پر اندام تمام سرجمعین
انداخت تا به امروز، و نهزائیات
صحت و حقانیت گذار و کردار ما از
قیام تا به امروز، طبقه رژیم
جمهوری اسلامی و تمامی خائنین
و فرصت طلبان و سازشگران این
شایستگی را کسب نموده است که
از لشکر طبقه کارگر و مسموم
و محنت کشان استثمار شده و متعبد
ایران برخوردار باشد، بر این
مقامت که ما اعلام می کنیم:

● اکنون زمان آن فرا رسیده
است که طبقه کارگر ایران در

راه حل که بیاید توده های مردم
را از زوربار تمام مسموم های
اقتصادی، اجتماعی و سیاسی
موجود نجات دهد راه حل انقلابی
دمکراتیک صائل از طریق
سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی،
استقرار یک قدرت توده ای،
برپا بستن شدن هر آنچه که کند
ارتجاعی است، دگرگونی بنیادی
در جامعه، و انجام اقدامات فوری
به نفع کارگران و مسموم توده های
و محنت کش است. تنها این راه حل
قادر است توده های مردم را از
شر تمام ضایع موجود نجات
دهد.

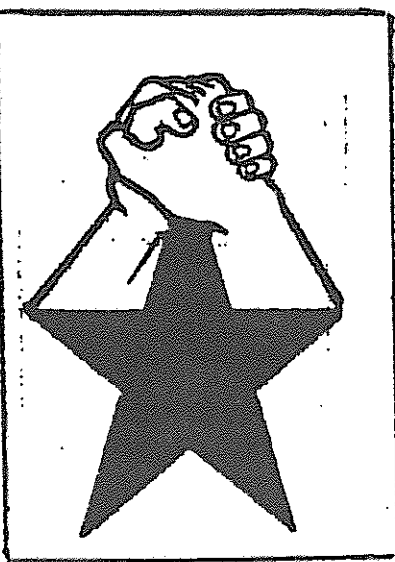
سازمان چریکهای فدائیان
خلق ایران که مدافع طبقه
کارگر ایران و از موضع این طبقه
مدافع ضایع مسموم توده های
محنت کش و متعبد است و هدف
نهایی خود را برقراری صوبالیسم
ایجاد جامعه ای رها از هرگونه
مسموم و استثمار قرار داده است
تنها چرایی است که طبقه تمام
جوانان ارتجاعی و تمام این مسموم
های خدائاتی و برنامہ های
آنها بی اختیار، و در مرحله
کشی انقلاب بیگانه خواستار
تحولات بنیادی و انقلابی و اجرای
فوری برنامه حداقل طبقه کارگر
ایران است. شش سال تجربه پر از
قیام به کارگران و محنت کشان
ایران نشان داده است مدام که
قدرت سیاسی در دست سرمایه
داران قرار داشته باشد هیچک از

● با گسترش دانه بحران سیاسی و رشد و اعتلاء مداوم مبارزه
توده ای اکنون بیش از پیش مخالفین رژیم با دو برنامہ و سیاست
اساسی تفاوت در برابر رژیم قرار گرفته و از توده های مردمی که
حائزان از دستگیریهای متعدد رژیم جمهوری اسلامی به لب رسیده
است می خواهند که به آنها اقتصاد کنند. در چنین شرایطی کارگران
و محنت کشان ایران باید شناخت دقیق از گروه بندیهای موجود
موضع و اهمیت آنها داشته باشند تا این بار که به قیام مجدد
برسی میزند به سرخشت گذشته دچار نشوند.

پیشاپیش مسموم توده های محنت کش
ایران و بر اتحاد با دوستان و
محنت کشان شهری رژیم جمهوری
اسلامی را سرنگون کند، قدرت
سیاسی را قبضه نماید و به تمام
وضعیت فلات پارسی
بخشد، این تنها راهی است که
در برابر تمام توده های مردم
ایران قرار گرفته است.

خواسته های توده های مردم تحلیلی
نخواهد یافت. ما خواهان سرنگونی
رژیم جمهوری اسلامی، استقرار
فوری حکومت کارگران و دوستان
برقراری یک دگرگونی سیاسی
دمکراتیک کردن اقتصاد جامعه
به نفع توده های مردم، اجرای
توجهات فوری رفاهی
توده ها و برانداختن مطلق
امپریالیسم به عنوان اهداف فوری

بدین سرنگونی رژیم



اطلاعیه کمیته کردستان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

درباره تکرار درگیریهای حزب دمکرات و کمونیست

خلق نهرمان کرد !
پیشمرگان دلیر روزمزد : کردستان !
خلقبهای سراسر ایران !
سازمانها و احزاب انقلابی و دمکرات ایران و جهان !

طبق آخرین خبر منتشره اینکه یکبار دیگر درگیری مابین پیشمرگان حزب دمکرات و کومه له در منطقه اورامان با ابعاد خونی تر از پیش مجدداً آغاز گردیده و بر اساس همین اخبار در اولین صفات درگیری تعدادی از پیشمرگان طرفین را در کام خود فروبلعیده است. با توجه به سیاستهای این دونیرو بدون دخالت مسئولان نیروهای انقلابی تبدیل عنقریب آن به یک درگیری گسترده سراسری بین دونیروی مذکور قطعی است. بدون تردید علاوه بر قربانی کردن تعداد روز افزونی از پیشمرگان هر دو طرف یعنی پیشمرگان که برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی در شرایط کنونی سلاح بدست گرفته اند، ضربات مهلکی را نیز بر پیشمرگان جنبش انقلابی - دمکراتیک خلق کرد وارد خواهد ساخت. امری که دونیروی فوق اینک در عمل بی توجهی و عدم التزام خود به آن را به اثبات رسانیده اند. آنها با بی اعتنائی به ضائق جنبش انقلابی خلق کرد و مبارزان از هرگونه راه حل اصولی و عملی - تن به جریان خود بخودی حصاد سپرده و امکان درگیری مجدد در همان منطقه قلمی را فراهم آورده اند. در حقیقت می توان گفت آنها در فاصله دو درگیری اخیر نه برای پایان دادن به هرگونه درگیری نظامی، بلکه برای تملک و ساختن مجدد آن تلاش کرده اند.

علیرغم اقدامات مشترک دونیرو سیاست حاکم بر نیروهای هر دو طرف در منطقه نه تنها در جهت جلوگیری از هرگونه درگیری بلکه دقیقاً در جهت دامن زدن به آن در ابعاد بسیار فراتر از درگیری قلمی بوده است. آنها قبل از همه متکرمندی علیه هم و آرایش نیرو در مقابل یکدیگر را به سیاست اصلی خود در منطقه بدل ساخته و در مجموع جو خشن را در اورامان بوجود آورده بودند. تنها عاملی که از اشتعال مجدد درگیری جلوگیری می نمود، بدون تردید کورسوی اقدامات مشترک طرفین بود که بلافاصله بعد از اعلام رسمی بن بست اینگونه اقدامات عظیم و بی نتیجه، شعله های درگیری مجدد، منحل گشت.

اقدامات مشترک حزب دمکرات و کومه له از جمله تشکیل یک کمیسیون مشترکی بود که از همان آغاز نیز محکوم به شکست قطعی بود. حزب دمکرات و کومه له برای اولین بار نبود که بعد از هر درگیری به تشکیل چنین کمیسیونهای دست می زدند. کمیسیونهای بی هویت و بی اراده ای که هیچگونه التزام اجرایی نداشته و بنا به خواست طرفین نمی توانست هم داشته باشد. همانطور که در گزارش هیات اعزامی شاخه کردستان به اورامان نیز آمده است وضعیت کار این کمیسیون در منطقه و بازگشت بی - نتیجه آن از اورامان، بهترین دلیل بن بست قطعی آن بود. حزب دمکرات و کومه له بخوبی آشکار ساختند که علیرغم کردن نهادن به کمیسیون مشترک خود در این صورت مشخص نیز با وقف کامل به سر بردن اقدامات این کمیسیون در طول این مدت هر کدام به نحوی و با استفاده از دنیالوقت کار کمیسیون به آرایش قوای درونی خود پرداختند. چگونگی برخورد آنها به صالته تشکیل یک کمیسیون مشترک واقعی و عدم التزام هر دونیرو به آن این بار نیز آشکار ساخت که آنها در شرایط کنونی تنها راه حل نظامی را برای حل اختلافات خود برگزیده ماند. روش و شیوه های برخوردی که از هیچ منطق صحنی جز متضیق گلوله برخوردار نیست.

هیات اعزامی ما در نتیجه گیری گزارش خود اعلام کرده بود :

اگر قرار باشد کمیونی مشکل از نیروهای انقلابی تشکیل گردد باید همین امروز به تشکیل آن اقدام کرد، چرا که فردا بسیار دیر خواهد بود. تأکید هیات بر آن بود که چنین کمیونی می باید یا قید التزام طرفین، صائل مربوط به درگیری ۲۵ آبان ماه را ریشه یابی و حل نماید و در عین حال مبارزه و اصول شخصی را جهت تنظیم روابط این دونیرو در آینده تثبیت نماید.

درست همانگونه که هیات اعزامی گفته کردستان پیش بینی کرده بود می باید گفت امروز با توجه به آرامه و نجهد این درگیریها بسیار دیر شده است. سیاستهای غلط و سرخورد های غیر مسئولانه طرفین تسبیح زمان منجر حود را بسیار دیر و فاسد خواهد کرد.

همانگونه که تحقیقات هیات اعزامی سازمان ما به اورامان آشکار می سازد، صائل فی مابین این دونیرو گساکان همان صائلی بوده و هستند که قبلاً نیز بارها و هر از چند گاه یکبار حزب دمکرات و کومه له بر سر آنها به کشت و کشتارهای نیروهای همدیگر دست پانزیده اند. ضمن تأمل این گزارش جهت اطلاع عموم از ریشه های علل و چگونگی درگیری ۲۵ آبان ماه حزب دمکرات و کومه له در رنگی که ل شماره ۲۵ به چاپ رسیده است. ضمن این گزارش آشکار می سازد که این دونیرو برای حل اختلافات خود در سطح منطقه بالاخره نه تنها سیاستی اصولی و درستی را در پیش نگرفته اند، بلکه اصولاً سیاستی برای مهار آن نداشته اند و بر ابعاد آن نیز هر لحظه بیشتر از پیش افزوده اند. این گزارش حاکی است که حزب دمکرات و کومه له در طول چند ماه حضور مشترک در منطقه اورامان، بارها بر انظار توده های زحمتکش منطقه به روی یکدیگر مسلحه کشیده، شترگیری کرده و در نهایت بدون آنکه هیچکدام از طرفین در جهت حل اصولی اختلافات خود حرکت کرده باشند، این برخورد را در مسیر خود بخودی شان، به درگیری ۲۵ آبان ماه منتهمر گشته است و در جریان خود به قسارتبانی از قبیل اعدام اسرا و موزاندن اجساد شهدا متهم گردیده است. و همانطور که گزارش هیات به روشنی بر آن صحه گذاشته است بعد از درگیری ۲۵ آبانماه نیز

و نظرات اکثریتی از نیروهای انقلابی موجود
کردستان شهید.

بسیروز یاد جنبش انقلابی - دمکراتیک خلق کرد!
هرچه مستحکم تر باد اتحاد عمل نیروهای انقلابی!
نابود باد تفرقه و تشتت در صفوف جنبش انقلابی خلق کرد!

کمیته کردستان سازمان جریکهای
فدائی خلقی ایران
? بهمن ماه ۱۳۶۳

دومین اطلاعیه

در باره اقدامات جهت جلوگیری

از گسترش درگیریهای اخیر اورامان

خلق رزمنده کسود!

بیشمرگان قهرمان کردستان!

خلایقهای سراسر ایران!

سازمانها و احزاب انقلابی و دمکرات!

بدنبال درگیری اخیر در اورامانات بیستون
بیشمرگان حزب دمکرات و کمیته آزادی اطلاعاتی
ضرورت جلوگیری از گسترش آتشی آن را به عنوان یک
وظیفه عاجل برای تمامی نیروهای انقلابی
شد ذکر شده و خواهان ارائه یک راه حل عملی عاجل و
مشخص برای حل سیاسی اختلافات فیضین دو نیرو
در شرایط حاضر شدیم. بدنبال این اطلاعیه طی
نامه ای از طرفین دعوت به عمل آوردیم و ضرورت قطع
تسوی این درگیریها و جلوگیری از گسترش آتشی آنها
را تذکر شدیم و خواهان برگزاری یک جلسه
مشترک برای رسیدن به یک راه حل عملی و مشخص
عاجل شدیم. و زمان مشخصی را برای تشکیل
یک جلسه مشترک اعلام نمودیم.

این جلسه در روز پنجشنبه ماه ۱۳۶۳ برگزار
گردید، لیکن دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان
در این جلسه حضور نیافت و نامه ما را به حساب
گذاشت اما کمیته مرکزی کسود با افراد نمایندگان
خود به این نشست در همان روز آمادگی خود را
برای حل مسائل از طریق سیاسی اعلام داشت و
صا بر اساس این آمادگی کسود که خود را مستحق
مسئولیتیم که یکبار دیگر به دفتر سیاسی حزب
دمکرات کردستان ایران ضرورت رسیدن به یک
راه حل را تذکر گشته و از نمایندگان آن بصورت
بمصل ادریم که طی یک جلسه مشترک نخله نظرات
خود را در این زمینه اعلام نمایند. که تقدیر
سیاسی حزب دمکرات در جواب نامه درج شده بهمن
ماه ۱۳۶۳ نامه نماینده اعلام داشت که در همین
در اورامانات کاملاً به ایمان رسیده و در چگونگی
موردی برای بحث با کسود که تدارک ضرورتی برای
نشست مشترک نمی بیند.

ما معتقدیم که حزب دمکرات با این جواب
در حقیقت ضرورت رسیدن به راه حل جلوگیری از
در حقیقت

جدیداً و در همان منطقه آغاز گشته و بدون
اقدامات عاجل و ضرورت ساختن راه گسترش آن
بطور قطع ابعاد آن تنها منحصراً به اورامان
نخواهد بود و با گسترش پورسه و کور خود و ضمیمه
خطیری را در جنبش انقلابی خلق کرد بوجود
خواهد آورد.

آنچه مسلم است درگیری مجدد اورامان خود
مقدمه درگیریهای وسیعی در آینده است که
جنبش انقلابی خلق کرد را با خسارت جبران
ناپذیری روبرو خواهد ساخت.

کارگران و زمینکنان نیروهای انقلابی و دمکرات!

در شرایطی که حزب دمکرات و کسود به هیچ
برخورده مستولانه ای به مسائل جنبش نمی کنند و
به هیچ گونه راه حل سیاسی مسائل مورد اختلاف
خود گردن نمی نهند تنها راه جلوگیری از تشدید
وضعیت و خیم روابط دو نیرو و دیگر نمودن راه حل
مبتنی بر مصالح و منافع جنبش به ضرورتی آنها و
مقابله قاطعانه با سیاست جاکم بر روابط آن دو و
جلوگیری از هرگونه گسترش آتشی درگیریهای آنهاست.
بدین شنه باید گفت که یک راه حل ساخت آینده در
برخورده جدی با مسائل امروز است. حزب دمکرات
و کسود که باید سریعاً و بدین دفع الوقت درگیری
مجدد خود در اورامان را قطع نموده از هرگونه
گسترش آن آگاهانه جلوگیری به عمل آورند. برای
حل سائل مربوط به هر دو درگیری اورامان به
حکمت و کنترل و نظرات اکثریت نیروهای انقلابی
موجود در کردستان گردن گذاشته و انتظام به
اجرای تصمیمات اکثریتی از نیروهای انقلابی را
اعلام نمایند.

کارگران و زمینکنان انقلابی کردستان!

بیشمرگان قهرمان خلق کرد!

برای دفاع از آرمانهایی که بیش از بیست سال
بخطیر دست یازیم به آنها سازنده کرده و در زیر
سایه شوم و زیر جمهوری اسلامی به مقابل به
سیاستهای ارتجاعی آن در کردستان پرداخته و
کردستان را به عرصه مبارزات حماسی خود تبدیل
ساخته اید و در شرایط خطیر کنونی نیز به مقابل به
هرگونه سیاست مبتنی بر جنگ آفرینی در درون این
جنبش برخوردید و راه حل صحیح و اصولی اختلافات
فیضین را به حزب دمکرات و کسود که در هر کسود
در هر موقعیتی که هستند تمسک نمایند. و امیر
سیاستهای غلط حزب دمکرات و کسود که در دامن
زدن به درگیریهای قهرآمیز کنونی نشسته و از
تبدیل شدن به سیله ای برای انتقام جویی های
قهر سیاسی و تفرقه گرایانه جدا نه اجتناب ورزید.

خلق قهرمان کرد!

بیشمرگان مبارز کردستان!

آزاده قدرتمند خود را به سدی در مقابل
ایجاد تفرقه و تشتت در صفوف جنبش انقلابی
کنونی تبدیل سازید و خواستار حل اختلافات دو
نیرو و قطع ضروری درگیری کنونی و رسیدگی به
مسائل مربوط به درگیریهای اخیر حزب و کسود که
در اورامان از طریق گردن نهادن آنها به یک
راه حل اساسی یعنی التزام به حکمت و کنترل

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای متوقی و انقلابی

پیشمرگان فدائیی طی عملیاتی

پایگاه کانی پی را درهم کوبیدند!

حمایت نموده های زحمتکش از
پیشمرگان خلق کرد و تلاشهای
مذبوحانه مزدوران رژیم!

مزدوران رژیم جمهوری
اسلامی برای ایجاد جو ترس و
وحشت در میان زحمتکشانی
کردستان از هیچ جنایتی فروگذار
نمی کنند و به انواع و اقسام ترندها
دست می زنند تا آنها را از حمایت
بسی دروغ خود از پیشمرگان قهرمان
خلق کرد باز دارند. هدف
تمامی سیاست های ایدئولوژیک و
روئیم سرکردستان را این واقعیت
تشکیل می دهد اما رژیم نفیها
علیرغم تمامی تلاشهای مذبوحانه
و سیاست های ارتجاعی خود
توانسته است به این هدف
سرکوبگرانه خود دست یازد بلکه
بیش از پیش به عمق این حمایت
بی دروغ خود از پیشمرگان و
فائزاتی خود در بازداشتن آنها
از این حمایت پی برده است. ما
در زیر نمونه ای از این تلاش
مذبوحانه رژیم را می آوریم.

روز دوم بهمن ماه تعدادی
از مزدوران جانی و پاسدار مستقر
در پایگاه "میامه" در ساعت ۱۲ شب
به روستای کانی پی تیراندازی کردند.

طی این عملیات خسارات
جانی و مالی زیادی به مزدوران
روئیم وارد آمد لیکن از تلفات
دقیق آن اطلاعی در دست
نیست.

پس از انجام موفقیت آمیز
این عملیات پیشمرگان فدائیی سالم
به محل قرار خود بازگشتند.

انفجار مین

بر اثر انفجار مینی که توسط
یک واحد از پیشمرگان فدائیی در
تاریخ ۲۳/۱۱/۹۱ در جاده
پولجمن - آلت نزدیک پایگاه
به رده زه تر به سر راه
مزدوران تاجیکان جاده
کار گذاشته شده بود، یک نفر از
مزدوران تاجیکان جاده به هلاکت
رسید.

روز یازدهم بهمن ماه ساعت ۶
بعد از ظهر پایگاه مستقر در بالای
روستای کانی پی در منطقه بانه
مورد حمله پیشمرگان فدائیی
قرار گرفت. در این روز پیشمرگان
قهرمان فدائیی با طرحی دقیق و
از پیش تعیین شده مزدوران
مستقر در این پایگاه را مورد
تجاوز مسلحانه خود قرار دادند.
با سرعت آتش خود را بر کوزه
عکس العملی را از آنها طلب
نمودند. پیشمرگان که در تپه های
مرف به پایگاه مستقر شده بودند
هم زمان از چند موضع مسلحانه
آرمی جی. نارنجک انداز و انواع
سلاح های دیگر به مدت نیم
ساعت این پایگاه را زیر آتش شدید
گرفته و مدام تیراندازی به آن
وارد ساختند بطوری که سنگسار
دیده بانی پایگاه با خاک یکسان
شد و نگهبان آن در همان دقائق
اول حمله به هلاکت رسید.
مزدوران رژیم که در اثر این
حمله برق آمای پیشمرگان فدائیی
خائف گردیده بودند، در لحظات
پایانی درگیری سراسیمه شروع به
خساره باران منطقه نمودند.

خلق کرد پیروز است

جدول یک ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کرد

آمار این جدول عمدتاً از
اخبار رادیوهای حزب دمکرات
و گویه نه برگرفته شده است.

۲۷ دی تا ۲۷ بهمن ماه

غنائم بدست آمده

۱۷۹	تیراندازی به پایگاه
۳۳	تیراندازی به پایگاه
۹	سربرداری
۱۵۳۰۰	تیراندازی به پایگاه
۳۲۰	خواب
۲	تیراندازی به پایگاه
۴	تیراندازی به پایگاه
۱۱	تیراندازی به پایگاه

تلفات دشمن

۵۳۸	کشته و زخمی
۲۳	تیراندازی
۴۲	خودکشی
۲	تیراندازی
۳۰	سنگسار
۳۱	تیراندازی
۱۷	تیراندازی

عملیات پیشمرگه

۲۱	کمیسیون کنترل حاد
۲۶	مین گذاری
۲۵	مقاومت در برابر تیراندازی
۵	مقاومت در برابر تیراندازی
۳	مقاومت در برابر تیراندازی
۲	مقاومت در برابر تیراندازی
۳۳	حمله به پایگاه
۱۱۵	مقاومت

جامعه ما جایگاه واقعی خود را باز یافته است و متناسب با تحولات اجتماعی و تفکیک طبقاتی جامعه نقش بیخستاز خود را در رهیهای حصار سازرات توده ای آشکار ساخته است و امر ضرورت هدایت مرکز قدرت طبقاتی پرولتاریا را برای ایجاد تحولات بنیانی در جامعه ایران بیش از همیشه و عملاً به اثبات رسانده است.

بر هیچکس پوشیده نیست که ارتقاء کیفی مبارزه همه جانبه جنبش کارگری و کمونیستی ایران امروز دیگر در گرو تشکیل حزب کمونیست ایران و ستاد رهبری - کننده پرولتاریای سازمان ایران و ایجاد وحدت و انسجام در درون آن است و هرگونه گشایش آتی در مبارزه کنونی در گرو انجام چنین امری است. امری که ملزومات عینی و ذهنی خود را مستقیماً از واقعیت عینی و ذهنی حاکم بر سطح رشد و آگاهی و تشنگی پرولتاریا و از تحول دیالکتیکی عمیق آن استنتاج می نماید. ارائه برنامه حزب کا تخت چنین پوششی است. که از صدوی سازمان - سازمان به عنوان یگانه مدافع پیگیر سیاست و خط و شی پرولتاری در جنبش کمونیستی ایران و با اتکا به سر پرانیک سازمانی خود در درون طبقه کارگر و مبارزات بی امان خود علیه هرگونه گرایش انحرافی بورژوازی و خرده بورژوازی در سطح جنبش و ستاد ردهای ایران مبارزه تدوین گردیده است.

انتشار طرح برنامه سازمان جریکهای فدائى خلق ایران و قطعیت عملی یافتن تشکیل ستاد رهبری طبقه کارگر ایران دشمنان طبقاتی حزب طبقه کارگر ایران را به تکان و آذنته است. و هیران کومه له در این تقابل کوی سبقت را از هگهان خود رسوده اند. و آنها را به ابزار خصوصت علمی یا اهداف برنامه ای و علمی طبقه کارگر کشانده و به سقوط هر چه بیشتر در ورطه نفسی ارزش های مولود مبارزات پرولتاریا سوق داده است. آتسای مهندسی این خصوصت طبقاتی را در یکی از شماره های ارگهان حزب خود طی ستادریوی ضحکی به رشته تحریر درآورده. او تلاش کرده است با صحنه سازی و موزون پردازی های موهوم، ایده های ارتجاعی حزب خود را منور دانسته، ضایرت اساسی ایده ها و

حزب کمونیست کومه له: حزب ضرورت یا ضرورت بی حزبی

عملکرد حاکم بر کومه له یعنی اساسی ترین مرفصل های سیاسی - ایدئولوژیک او، روشن سازیم.

بر هیچکس پوشیده نیست که شعار تشکیل حزب طبقه کارگر امروز دیگر نه بعنوان یک آرزی دست نیافتنی بلکه صالباست که به اساسی ترین وجه از فعالیت سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی مارکسیست - لنینیست های ایران بدل گشته است و امروز زمینه های عینی - تشکیلاتی آن بیش از همیشه فراهم گشته است. جنبش کمونیستی ایران در طول دوران نخبه حیات واقعی خود در طول نزدیک به دو دهه اخیر از طریق نفی علمی، سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی احزاب و محافل خرده بورژوازی و بورژوازی موجود از قبیل حزب توده و غیره زمینه های عینی و ذهنی تشکیل چنین حزبی را در پراتیک مبارزه طولانی و بی امان خود در تمامی عرصه ها و در گوران رهبری علمی مبارزات طبقه کارگر ایران فراهم ساخته است. جنبش نوین کمونیستی ایران در حقیقت نالوده های چنین حرکت هدفتندی را از طریق نفی و طرد انحرافات موجود در جنبش، در پراتیک علمی خود در تمام عرصه ها پی ریزی نموده است. بوضوه در دوران بعد از قیام بهمن شاه در این زمینه و در تصریح صانی حرکت خود، کام های عظیمی را به پیش برداشته است. متناسب با پراتیک علمی و روزمره خود در مجموع تمامی این روند هاء امر حصول به حزب طبقه کارگر را به یک امر عاجل و صرم صدل ساخته است. سیاست و برنامه مستقل پرولتاریا امروز دیگر به واقعیت علمی جنبش کارگری و کمونیستی ایران بدل گشته است و متناسب با آن طبقه کارگر آگاه ایران نیز نقش واقعی خود را در تحولات اجتماعی ایفا نموده و در روند رشد مبارزه طبقاتی

چهره طبقاتی و ماهیت واقعی این به اصطلاح حزب کمونیست را هیچ کس بهتر از رهبران خود کومه له به نمایش نگذاشته اند. چه در تبیین صانی حرکت این حزب و چه در توضیح صانی ایدئولوژیک - سیاسی واقعی و نه ادعائی آن. ما تاکنون در برخورد با صانی مورد استدلال و عملکرد این کومه له و حزب او تفکار ساخته ایم که حزب او نه حصول ناگزیر پراتیک معین طبقاتی و روند امیتر سوسیالیسم علمی با جنبش طبقه کارگر در عرصه تقابل آشکار پرولتاریا علیه سرمایه و در یک کلام پراتیک مبارزاتی مشخص در درون طبقه کارگر (همانطور که خود کومه له و تصورین های او نیز آن را تئوریزه کرده و علناً اعلام کرده اند) و در نتیجه نه پاسخی به ضرورت رشد و ارتقاء سطح آگاهی و تشکیلات طبقاتی آن در عرصه مبارزه طبقاتی، بلکه دقیقاً در نقطه مقابل چنین سر قانونندی بود که یک کلام حزب هراس از چنین رشد و ارتقاء طبقاتی و قطعیت تشکیل ستاد رهبری پرولتاری است.

واقعیت این است که حزب کومه له اگر چه حزب طبقه کارگر نیست ولی حزب نیازهای صین طبقاتی در جامعه ما جدایی که هست و به همین لحاظ نیز تشکیل ستاد آلود چنین حزبی در شرایط تحول کنونی جامعه ما و در مرحله کنونی رشد و ارتقاء و تضح و شکوفائی مبارزه طبقاتی کارگران ایران نمی توانست بدون هیچ زمینه عینی باشد. این حزب نیز از الزامات طبقاتی خاص خود برخوردار است. ما در این قسمت از بحث خود تلاش می کنیم، به این بختر از واقعیت های تصور در ادعاهای کمونیستی کومه له پرتوی افکنده و جایگاه واقعی این حزب را در روند مبارزه طبقاتی و با توجه به سیر عمومی و پیشینه تاریخی تفکر و

اما وظائف اتسرناسیونالیستی
پرولتاریا نه تنها امری جدا از
وظائف آن در عرصه ملی نیست
بلکه همه واقعیت های حاکم بر
زندگی طبقه کارگر بیانگر گزیه
خوردگی این وظائف و تفکیک
ناپذیری آنهاست. مبارزه طبقه
سرمایه در محدوده یک کشور تنها
کاتال شخص مبارزه پرولتاریای یک
کشور علیه موجودیت نظام
سرمایه داری بعنوان یک سیستم
جهانی و محور نابودی قطعی آن
است. بیان این خلعت مبارزه
طبقه کارگر که عیناً ریشه در
وجود اجتماعی آن دارد در شعار
اتحاد پرولتاریای سراسر جهان
سرلوحه کار همه کمونیستهاست.

برخلاف نقطه عنایت تحلیلی
کاملاً ضد کمونیستی آقای مهدی
طاعت طبقاتی برنامه حزب

تاکیدها از کمونیست (

نباید انتظار داشته باشیم
که آقای مهدی "مکان طبقاتی
برنامه سازان را از طریق تحلیل
واقعیت برنامه بیرون کشیده و به
آن بررارد. این توقع بجائستی
است که نباید از رهبران کومله
داشت آنها پیش از آن بدور از
هر گونه تشریح علمی به مسائل
مبارزه طبقاتی هستند که چنین
کنند از نقطه نظر آقای مهدی
باید نه البته محتوی بلکه فقط
مکان طبقاتی این برنامه را در
جای دیگری جستجو کرد در مقام
جهانی - طبقاتی و در نهضت
مختص کومه له. آقای مهدی در
توضیح این مکان نیز اضافه می کند:

"اقلیت در استراتژی اخلاص
به شوری و خلاصه و محدود کردن

صافی سیاسی - ایدئولوژیک و ملی
حزب خود با واقعیت وجودی
صارت طبقه کارگر ایران و
اهداف و آمال آن راه در زورق
تحلیل های کپته شده و از دور
خارج شده پنهان نگه دارد. آقای
مهدی در نوشته اخیر خود
جرات ورود به متن برنامه را به
خود نداده و بسویات عینی طرح
برنامه در عرصه تقابل طبقاتی
جامعه و سایر شخص انرا به
کساری نهاده. طریقات وجودی
مارکسیسم انقلابی و "حزب
کمونیست" کومه له را تصور سخته
نموده و به رفته تحریر در آورده
است. او در این تلاش بیبانه
پیش از آن که برنامه طبقه کارگر
ایران و خطوط اساسی آن را نقد
نماید، تقابل آشکار طبقاتی
خود با این برنامه را به نمایش
گذاشته است و به اضافه خطوط اساسی
ایده های حزب خود پرداخته است.
آقای مهدی در نوشته خود
تنها چهره بورژوائی حزب خود را
در دفاع از ضایع سرمایه داری در
کل آن تحت عناوین مبارزه با
امپریالیسم نوین و محدود ساختن

مبارزه طبقه کارگر به مبارزه
علیه امپریالیسم غرب و آمریکا و
خبره به وجه بازی نمایان ساخته
است. آقای مهدی تنها حلقه ای
که برای نقی برنامه سازان ما
بر آن دست باز نهاده است، همین
جنبه از نقطه نظرات حزب اوست
که در طول نوشته او به گرات و به
اشکال گوناگون و در قالب انواع و
اقسام لطایف الحیل تکرار گشته است.

همانطور که گفتیم آقای
مهدی طبق معمول مبارزه
ایدئولوژیک کومه له که همیشه و
در همه حال از پرداختن به مسائل
اصلی طفره رفته و هم خود را
صروف حتی الامکان بهره برداری
- های پیچیده و غشواستریانه از
سرمایه داری و تحریر و تحریف و
جعل حقایق می نماید و این کار
را تاکنون به گرات انجام داده است.
در برخورد به طرح برنامه سازان
نیز همیشه آن که می گوید:

"بی شک به محتوای خود این
برنامه نیز باید پرداخته
شود. اما این کار را نمی کند.
به رسم ایشان قبل از این کار باید
"صافی سیاسی و طبقاتی و مکان

طبقاتی برنامه اقلیت و حزب -
سازی او توضیح داده شود."

(کمونیست شماره ۱۳

جنش کمونیستی ایران در طول دوران تجدید حیات واقعی خود در طول
نزدیک به دو دهه اخیر از طریق نقی علمی، سیاسی، ایدئولوژیک و
تشکیلاتی احزاب و محافل خرده بورژوائی و بورژوائی موجود
از قبیل حزب توده و غیره زمینه های عینی و ذهنی تشکیل
جنبش حنی را در برپایه مبارزه طولانی و بی امان خود در
نمای عرصه ها و در گوران رهبری عظمی صارت طبقه کارگر
ایران فراهم ساخته است.

طبقه کارگر ایران را خط
مختص ضد سرمایه داری آن و
ارزیابی درست و اصولی از شدت
داخلی و خارجی آن در ایستادن
مبارزه با هدف استقرار یک تیرری
پرولتاریا و سوسیالیسم از طریق
سرکوشی قهری نظم سرمایه داری
ایران تشکیل می دهد. و همانطور
که در سرلوحه برنامه حزبی سازان
نیز آمده است، این برنامه
انما نامه و "کیفر خواست
کارگران ایران علیه نظام جتنی بر
ستم و استثمار سرمایه داری و ضد
محکومیت قطعی این نظام و
اعلان جنگ نهائی به تمام
سرمایه داران و کلیه سرجمعینی
است که مدافع وضعیت فلالکبار
کنونی و نظام جتنی بر بردگی کار
مزدوری هستند نه چیز دیگری.
مثلاً اعلام جنگ به کشورهای
سوسیالیستی همچون برنامه
نیروهای ناسیونالیست و خرده -
بورژوائی مثل کومه له.

آقای مهدی در حقیقت با
انگشت گذاشتن بر این واقعیت
چهره بورژوائی حزب خود را
آشکار ساخته است، تا مکان
طبقاتی برنامه ما را خندش
نماید.

مبارزه طبقه کارگر بر علیه
سرمایه داری به مبارزه بر علیه طافع
امریکا و غرب در ایران... اختلافی
با حزب توده... ندارد.
(همانجا تاکید اوما)
قبل از آنکه گرایش ارتجاعی
آقای مهدی را در اینجا باز کنیم لازم
است نکته ای را توضیح دهیم.

وظائف اتسرناسیونالیستی بخش
جدائی ناپذیری از وظائف پرولتاریا
و درست آن نقطه قوت پرولتاریاست
که جریان های ناسیونالیست خرده -
بورژوا و بورژوا بعنوان نقطه ضعف
آن و محل مانور احساسات رقیب
ناسیونالیستی خویش محسوب
می دارند و تلاش می کنند دشمنی
خود با اتحاد اتسرناسیونالیستی
پرولتاریا را در تمامی عرصه ها،
به انواع و اقسام تصرفها به وسیله
و اساسی برای تحریف توده ها
تبدیل نمایند و از هیچگونه
بهره برداری خصمانه از آن
فرودگاری نکنند و کمونیستها
یعنی مدافعین چنین اتحادی را
مطلوب اجنبی و... بنامند.
درست همان کاری که آقای مهدی
به انجام آن همت گماشته است.

نیست که کومه له و حزب توده در عمل به یک نتیجه واحد دست می یابند. نفسی سوسیالیسم چه در پوشش درک لیبرالی حزب توده از آن وجه در پوشش درک آنجیستی و بسودی کومه له از آن.

اما گذشته از همه اینها شاه بیت اصلی استدلالهای آقای مهندی در بحث خود پیرامون بگان طبقاتی برنامه ما را بیش از همه این امر تشکیل می دهد که ما - صارتزه طبقه کارگر علیه سرمایه - داری را محدود به صارتزه علیه ضافع امریکا و غرب در ایران ساخته ایم و به رسم اینها - اردوگاه امپریالیستی دیگر را که همانا به اقتضای کومه له و حزب او اردوگاه سوسیالیستی (از اتحاد شوروی تا چین) را از قلم انداخته ایم، باید از عان کنیم که اتفاقا وجه افتراق روشن و جالبی است آقای مهندی! و شما درست روی آن انگشت گذاشته اید! فرق اساسی بین کمونیستها و غیر کمونیستها در همین واقعیت نهفته است که کمونیستها صارتزه طبقه کارگر را نتیجه سرمایه - داری داخلی و از این طریق سیستم جهانی امپریالیسم در کل خود می نمایند و تلاش می کنند که صارتزات اقتدار و طبقات زحمتکش جامعه را نیز در این صیر کاتالیزر نمایند و ضد کمونیستها با دستاویز قرار دادن شمارهای از قبیل احیای سرمایه داری در شوروی

و غیره و نفسی دستاوردهای طبقه کارگر، نه تنها صارتزات اقتدار و طبقات غیر پرولتری، بلکه قبل از همه صارتزات طبقه کارگر را از پرورش به دژ سرمایه و پایگاه جهانی آن منحرف ساخته و نتیجه ضدین طبیعی آن در سطح جهانی نموده و در حقیقت در صیرهای انحرافی کاتالیزر نمایند و بدین وسیله همان سرمایه داری و منافع قرب را از زیر ضرب خارج ساخته و به آرایش چهره آن می پردازند.

اما کمونیستها برخلاف کومه له و همپالکی هایش، هرگز مرز بین ضدین خود و دوستان انقلاب را با دشمنان قسم خورده آن نموده تنها در عرصه داخلی بلکه در عرصه جهانی نیز مخدوش نمی نمایند. و این مخدوش کردن چهره انقلاب و ضد انقلاب در سطح جهانی بدین سر دید قبل از همه انعکاس عینی و عملی موضع طبقاتی شخص هر جریانی در داخل جامعه معین دارد و چنین سیاست هائی قبل از

این که از نقطه نظر ما هر دوی این جریانها عملاً و نظراً به استمرار نظم مستمرانه کمونیستی و تقدیر آن تحت اینگونه شعارها می پردازند تردیدی نیست. اما - این که هر دو جریان علیه رسم اختلافی شبیه و شعارها از دو نقطه عزیمت کاملاً ضایع در تمام می

برخلاف نقطه عزیمت تحلیلی کاملاً ضد کمونیستی آقای مهندی ماهیت طبقاتی برنامه حزب طبقه کارگر ایران را خطوط مشخص ضد سرمایه داری آن و از یابی درست و اصولی از ضدین داخلی و خارجی آن در این صارتزه با هدف استقرار پرولتاریا و سوسیالیسم از طریق سرنگونی قهری نظم سرمایه داری ایران تشکیل می دهد.

زیربنه ها یک هدف مشترک را دنبال می کنند. و علیرغم آن که دو وظیفه ضاحات را تشکیل می دهند در عمل، در تحلیل نهائی از یک نوع برداشت و برخورد با مسائل در تعریف مارکسیسم پیروی می کنند. با این فعلیت که حزب توده از موضع تعریف بورژوا - فدرالیستی و تبدیل سوسیالیسم به یک آرمان نه عاجل بلکه دور و فعلاً غیر قابل حصول در جامعه و از این طریق فرار خواندن طبقه کارگر به دنبالروی آشکار از اقتدار و طبقات غیر پرولتری و به رسم حزب توده ضد امپریالیست

اگر در طول بیش از دو دهه گذشته سلاح جریانهای صعبی مارکسیسم را در مواجهه با قدرت پرولتاریا و سازماندهی و تشکل حزبی آن دست یازیدن به تحلیلهای وارونه از تحولات اجتماعی و ارائه نامیونالیسم تنگ نظرانه خرده بورژوائی از طریق هم سوئی با شعارهای ارتجاعی ترین بخش بورژوازی در پوشش ایده های تساوی طلبانه و بدوی و آنجیستی از سوسیالیسم تشکیل می داد، امروز دیگر این سلاح در شرایطی که جنبش کمونیستی و کارگری ایران مرزهای مشخص طبقاتی چنین دیدگاههای را آشکار ساخته و از صفوف خود بطرد ساخته است بسیار کهنه گشته است.

همچون رژیم جمهوری اسلامی و کومه له از موضع دکماتیستی و تساوی طلبانه بدوی و اخلاقی از سوسیالیسم و تبدیل آن به یک مذهب مقدس و غیر عقلی و آنجیستی و نفسی ارزش های مولود آن، در نتیجه تعبیر و تفسیرهای دلخواه از سوسیالیسم و جایگزینی آن با گرایشات طبقاتی خاص خود، در حقیقت بر هیچ مارکسیستی پوشیده

حال به کشف مقایسه ای آتای مهندی بازگردیم.

از حق نباید گذشت آقای مهندی با این کشف معبر المقل بر نقطه افتراق جالبی انگشت گذاشته است. چه در برخورد به وجه اختلاف با حزب توده و چه در برخورد با اختلاف با کومه له و حزب او.

صلاً این وجه افتراق اساسی ما در برخورد به وظائف بین المللی پرولتاریا و درک از اتترناسیونالیسم و همبستگی و اتحاد صارتزاتی طبقه کارگر جهانی نه تنها با کومه له بلکه علیه رسم تطای و تاکید فائزانه آقای مهندی با حزب توده نیز هست. تنها بنابه ماهیت و عملکرد هر کدام از این دو جریان از دو جنبه ضفاوت و اگر وجه افتراق ما با حزب کومه له در برخورد به وظائف اتترناسیونالیستی پرولتاریا از وضوح کاملاً صارتزی که آقای مهندی به آن اشاره کرده است در شعار صارتزه علیه سرمایه داری و امریالیسم جهانی به سرگردگی در همین حال با حزب توده نیز در ادامه این شعار و گانال اصلی تحقیق این شعار یعنی تسویه حساب قطعی با پایگاه داخلی سرمایه جهانی یعنی نظم سرمایه داری حاکم، بر ایران تشکیل می دهد که حزب توده تلاش در تقدیر و تطهیر این دشمن داخلی تحت پوشش خطر امپریالیسم و تئوریزه کردن امپریالیسم بعنوان صراف

یک عامل خارجی و غیر طبقاتی، بدون هیچ گونه زمینه عینی حضور آن در داخل جامعه دارد. تلاشی که کومه له به شکل دیگری و با دست یازیدن به شعار هارترین بخش امپریالیسم جهانی و اعلام جهاد مقدس علیه اردوگاه سوسیالیستی تحت عنوان امپریالیسم نوین، و غیره به عمل می آورد.

همه انگار نقش و نقش واقعی هر نیروی
در عرصه مبارزه طبقاتی درون
جامعه معینی است.

کسبیتهای ایران برضلاف
حزب کومه له و به طریقی اولی حزب
توده از تصورات ذهنی خود
در قبال مسائل مربوط به وظائف
بیم الطبلی طبقه کارگر و زمین
وظائف درونی آن نمی برداشتند.

بلکه از نقطه نظر آنها کانال اصلی
وظائف اکثریت سوسیالیست، پرولتاریا
از طریقی... تعیین تکلیف قطعی
با بورژوازی کشور خودی
می گذرد و این یک اصل مسلم
مارکسیستی است و اتحاد و همبستگی
جبهائی پرولتاریا نیز بهمان عملی
مبارزه همبستگی و هدفمند کارگران
برابر جهان در تحقق بخشیدن به
آرمان طبقاتی خود با سطح رشد و
شیوه های مناسب با شرایط
خود میوه خوش است.

اما آقای مهندی گذشته
از ساله فقی در استدلال
خود واقعیت دیگری را نیز آشکار
ساخته است که همانا ماهیت
اصلی تمامی تلاشهای گریزناپذیر
حزب کومه له این مبارزات غرور
عقب مانده شعارهای کهنه شده
"مارکسیسم انقلابی" است. آقای
مهندی تصور می کند به ابداعات
جدیدی دست یافته است. ولسی
آقای مهندی باید این واقعیت را
حد اقل خوب بداند. البته اگر
ضایق طبقاتی ایشان این اجازه
را بدهد که اگر شعار عقب مانده
دهقانی در کردستان را بشود با
این افکات کهنه شده و کاملاً از
مد افتاده خواب کرده نمی توان با
جنگ انداختن به چنین تئوریهای
که جنبش کارگری ایران امروز
دیگر سالیات بطور قطع آنها را
طرد نموده و به زباله دانی تاریخ
سپرده است به جنگ ضرورت پرتاب
و حزب کسبیت واقعی طبقه کارگر
شتافت و ایده های ایشان برای
طبقه کارگر ایران به همان اندازه
جدید و در خور تأمل است که
حزب سازی کومه له. و اگر کومه له
تازه به فکر و صرافت زنده کردن
اوراد کهنه و جان بخشیدن به
اشباح دوران از دست رفته و زنده
کردن تفکرات ارتجاعی و نصابی -
طلبانه بدوی خرده بسوزروازی
ضمحل شده و متنی ایران در
شرایط امروز جنبش انقلابی
خلق کرد افتاده است جنبش
کارگری و کسبیتی ایران در طول

حرکت پرتلاش خود در طول سال -
های متعددی گذشته عملاً و نظراً
جنبش تودهات انجمنی و تزهائی
ارتجاعی را در هم شکسته و پستی
خود را با بریدن سرانده های فروریخته
جنبش ایده های ضد سوسیالیستی
ممکن ساخته است و ضرورت حزب
طبقه کارگر و اصول اساسی
برنامه ای آن را در مبارزات
سی ایان علیه جنبش پرمایه ها
و تاله های متج از چهارده حضور
ایده ها و درک های بورژوازی و
خرده بورژوازی از سوسیالیسم
بر سر آورده است.

آقای مهندی تصور می کند
که تئوری های مضعنه حزب او
و سرخوردگائی از نوم بر خورد او
برای کسبیتهای ایران ابداعات
نوظهوری هستند که نه حتی با
ظهور کومه له در اواخر ۵۷ بلکه
در محفل بازی های همین جنبه
سال اخیر کومه له و شرکا او کشف
شده اند. ولسی آقای مهندی هر
تصوری داشته باشد تصور او
چیزی از بار واقعیت نمی گاهد.
حقیقت این است که کومه له و حزب
او آخرین تشکی است که حول
این تئوری ها گردیده است و
ابداعات حزب کومه له چندان
هم جدید نبوده و نیستند و
کومه له تنها متعصب با وضعیت
عمومی خود در صف بندی طبقاتی
جنبش کردستان و شیوه خاصی از
ارائه آنها را به ضمه ظهور
رسانده است.

تزهائی ناسیونالیستی که
کاربایه اصلی تئوریک حزب
کومه له را تشکیل می دهد،
تاریخچه طولانی در جنبش ایران
- همانطور که در سطح جهانی
نیز دارند و از ویژگی های
معینی در برخورد به مسائل در
ایران برخوردار بوده و هستند
که اساسی ترین مرفضل های آنها
را در بدو پیدایش این تزها و
بویزه در دوران بعد از تحولات
ارتجاعی ناشی از رفیم ارضی در
ایران بی اعتقادی به استقرار
سوسیالیسم در عصر کنونی و
نسیاله روی از حزب کسبیت
چنین در اختلافات فیما بین این
حزب با حزب کسبیت شوروی
در عرصه جهانی از یک سری و
عدم در تحولات بعد از رفیم
ارضی رژیم پهلوی و نفی آوانتوریستی
صف بندی های حاصله از آن در
عرصه داخلی از سوی دیگر تشکیل
می داد. اگر کومه له خوب
بخاطر داشته باشد تا همین
اواخر و حتی بهند از تشکیل

سازمان انقلابی زمین کسان
کردستان نیز تحلیل جامعینه
ایران به عنوان یک کشور نیمه
ستعمره و نیمه فئودال یکی از
تشنه های باور کومه له و بسیاری
از هیالکی های آن در سراسر ایران
پسود.

پسروان این خط و منحنی
ناسیونالیستی و اشاعه دهندگان
آن که در دوران اختلافات فیما بین
حزب کسبیت شوروی و حزب
کسبیت چین پیرامین تزهائی
کنگرسه های ۲۰ و ۲۲ به دو آتش -
ترین مدعیان مارکسیسم جدل
گرفته حتی در لباس پوشیدن نیز
از الگوی چین پیروی می کردند
در حقیقت تا آنجا که به جنبش
کارگری ایران مربوط می شد
چندان اختلاف اساسی با خط و
منحنی حزب توده در عمل نداشتند
و در جمیع می توان گفت نقطه
اختراق آنها همانطور که امروز
آقای مهندی آگاهانه یا نا -
آگاهانه به شیوه های اسلاف خود
رجعت نموده اند، دنباله روی یا
بهتر است بگوئیم الگو برداری از
این یا آن حزب کسبیت در فلان
کشور و حرکت از چنین موضع
جهانی بود. اصلاً آنچه که برای
این جریانات فاقد هرگونه اهمیت
بود ضروریات مبارزه طبقه کارگر
ایران و امر هدایت آن بود. آنها
در حرف زمانی که از پرولتاریا سخن
می گفتند، لبایشان در عشق به
آزادی آن صفتها بی وقته از حرکت
باز نمی ایستاده ولی زمانی که حتی
در حرف نیز به چگونگی دست یافتن
به این رهائی می رسیدند اول تخت
پرکوست را بر زمین می نهادند و
سایور الگوی این یا آن کشور را
از آستین بیرون می کشیدند. و
در نتیجه به همان ورطه ای پهای
می گذاشتند که زادگاهشان یعنی
حزب توده از مدت ها پیش در آن
آرام نموده بود و پسندور از
پرخاشگری های گروه دوم برای
تبدیل دیکتاتوری شاه به
دمکراسی شاه در شرایط بعد از
رفیم ارضی که به هم او در کمال
ضرفی بود، ناخوشه شاری می کرد.
و در این راه و تنها در این راه از
هیچ کوشی فروگذار نمی کرد.
چرا که طبق منطق حزب توده
بالاخره سرمایه داری بهتیر از
فئودالیسم بود. محافل ناسیونالیست
طرفدار چین نیز علیه رفیم عدم
پذیرش هرگونه تحولی در اثر این
رفیمها در این زمینه با حزب
توده اختلاف چندانی نداشتند و
با اعلام این که هیچ گونه تحولی

دامنگیر سازمان مجاهدین خلق را به نفع گرایش رادیکال خود تغییر داده متناسب با وضعیت پایگاه اجتماعی خود که تحت فشار گسترش روز افزون روابط کالائی و

دستاورز قرار دادن برخی اشتباهات تاکتیکی و انحرافات سازمان در این زمینه با یافشاری هرچه بیشتر بر ایده های خاص خود هرچه بیشتر به و در طقه

اگر در پیروز ایجاد تشکل های محلی و کاریگاتوری وسیله ای برای تخطئه تشکل کمونیستی اداکار و با اهدای کمونیستی، در عرصه متنت جنبش کمونیستی میدان عمل هر چند محدودی برای خود باز می یافت امروز دیگر چنین وسیله ای در شرایطی که تشکل حزب طبقه کارگر به فرجام خود نزدیک شده است و بنیان های مشخص ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی آن پی ریزی گشته است فاقد هرگونه کارائی است. اگر در شرایط دهه چهل چنین تشیلاتی عرصه مانوری برای خود می یافت امروز دیگر در شرایط تحکیم روز افزون صفوف پیشروان کمونیست اقداماتی از قبیل حزب سازی کومه که پیشاپیش محکوم به شکست قطعی بوده و هست. دیگر طبقه کارگر ایران دوران تشکل های غیر حزبی و احزاب کاریگاتوری و احیای تئوریهای و روشهای راجع هر روش فئوالتی بمکوسیرده است.

در اثر این رفرمها در این زمینه با حزب توده اختلاف چندانی نداشتند و با اعلام این که هیچ گونه تغییری در ساختار اجتماعی رخ نداده است و روابط همان انقلاب سفید یک بازی و فریب پیش نیست، در اندیشه انجام انقلاب دهقانی، آنها به شیوه چپین بودند. حزب توده می گفت: چراغ حزب را در خانه های خود روشن نگه دارید. و محافل طرفدار چپین می گفتند: محافل طالبانی تشکیل دهید رادیو یکس را گوش کنید، فعالیت خود را گسترش دهید برای کار به میان دهقانان بروید و حزب طبقه کارگر از پیوند این محافل بوجود خواهد آمد. محافلی که معلوم نبود با چمکتی کیفیت برای این نیروها نصی توانست مطرح باشد و نبود. به حزب تبدیل خواهد شد.

در حقیقت اگر حزب توده حزب رفرمهای بورژوازی بود و تلاش و تمکین اقتدار محافظه کار اجتماعی را در فعالیت خود متعمر می ساخت، محافل طرفدار چپین و نمایندگان رنگارنگ آن تصایلات عقب مانده اقتدار مختلف خرده تولید کنندگان سنتی از قبیل دهقانان و بخشی از خرده بورژوازی شهری را متعمر می ساخت. بخش هایی از نیروهای اجتماعی که ضایع کوشه نظرات شان آنها را از پذیرش واقعیت ها نیز باز داشت و درست به همان اندازه که حزب توده نه در تئوری و نه در عمل کاری با سازماندهی طبقه کارگر نداشت این محافل پراکنده طالبانی روشنفکری نیز با انفعال طلبی خاص خود تنها مروجین پر خاشاک و وینفد و بار تمکین به واقعیت های حاکم بر جامعه بودند.

با اعلام موجودیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و خط مشی انقلابی آن مبتنی بر تحلیل و ارزیابی های دقیق از تحولات بعد از رفرم ارضی و وضعیت عمومی جنبش کمونیستی، تئوری محافل این جریانات عملاً و نظراً نفی گردید و در واقع نیز سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با ارائه یک خط و مشی انقلابی از یک سر جذب بسیاری از این محافل که هنوز از شور انقلابی برخوردار بودند از سوی دیگر ضریب مبادی بر طرفداران این تیزهای منفعلانه ناسیونالیستی وارد آورد. هر چند بقایای کله زده این محافل با

سقوط کمانده شدند. در حقیقت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با طرح برنامه ایجادیت سازمان رزمنده و اداکار کمونیستی با عملکرد و خط و مشی انقلابی نقطه پایانی بر حیات انواع و اقسام محافل وابسته به حزب توده و طرفدار چپین گذاشت و انرژی انقلابی فعالین جنبش کمونیستی را در جهت اهداف پسرولتاریا و سازماندهی آن کانالیزه نمود. و این محافل پس عسلی را از منبع اصلی تغذیه آنها محروم ساخت.

ادام خط و مشی ناسیونالیستی این محافل یک بار دیگر نیز در فواصل بین سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ در قالب بخش از سازمان مجاهدین خلق ایران تجدید حیات نمود. تمایلات رادیکال درون سازمان مجاهدین خلق به مثابه توافل این تجدید حیات در تحزیه ناتمام درونی این سازمان با اعلام پذیرش تئوریهای ناسیونالیستی جریانات طرفدار چپین، جانی دوباره به این تیزها بخشیدند.

متها نه به شکل و سوره گذشته بلکه متناسب با مختصات طبقاتی رادیکال خود. این بخش از سازمان مجاهدین خلق که در اثر انحراف تحولات اجتماعی و تفکک طبقاتی درون جامعه و انحلال این تفکک در ساختار سیاسی ایدئولوژیک تشکیلاتی سنتی سازمان مجاهدین خلق و تحزیه درونی آن با این عرصه و جزو گذشته بود با حفظ مختصات عصری حرکت قبلی خود تنها تغییر صوری در اعتقادات عقب مانده و سنتی و متعمری خود ایجاد نموده و در تلاش آن بود که انقباض

سیستم سرمایه داری به ویژه در حوزه خدمات هر روز بیشتر از روز پیش به سوی ناسودی کشانیده می شد، در مواجهه با گرایش درونی دیگر سازمان مجاهدین که با باز تولید طبقاتی خود در جامعه سرمایه داری در صدد تمکین به روابط جدید و تطبیق تدریجی خود با آن بود و در بهترین حالت برای تعدیل آن مبارزه می کرد به ایده های از نفس افتاده جریانات خط ۴ با تهور اقتدار گسیخته خود روسی دوباره بخشید و به مقابله خنثین با گرایش مقابل خرد که به باز محافظه کارتر از پیش می گردید، پرداخت. این جریان با اعلام موجودیت خود مان بخش از محافل متعلق به این طرز تفکر را که هنوز جذب سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نشده بودند و با به انفعال کامل کشیده نشده بودند حول خود مجتمع نمود. به ویژه از آن جهت این جریان در این کار موفقیت حاصل نمود که علاوه بر مشخصه های ایدئولوژیک سابق پیروان خط و مشی حزب کمونیست چین، مشخصه جدیدی را نیز بر آنها افزود که محافل متعلق به این خط و مشی در برخورد به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، آن را به نقطه اقترا ق خود مبدل ساخته بودند: به اصطلاح رد شی چریکی با برخورد با تاکتیک ها و شیوه مبارزاتی سازمان. بخش مشعب سازمان مجاهدین با اعلام این ماله در برهه ای از حیات خود در طسول

حسنى آستانه قيام بهمن پاي به
هرمه وجود گذاشت و اگرچه بر
زمينه ناسيوناليسم حاكم بر جنبش
انقلابى خلق كرد رشد جنبش
سرمي كرد ولي هرگز نتوانست با
تفكرات عقب مانده خود
برخورد جدى نمايد . پوپوليسم
بيكران و ناسيوناليسم نساب و
عقب ماندگي ذهنى و عملى از
شخصه هاى بارز كومه له در افراز
پيدايش خود بود . و عليه رغم
فماليت عملى در جنبش بالفعل
نوده اى در كردستان تا مدت ها
نتوانست حسنى بر اشكالات خود
وقف حاصل كند . اگرچه زمانى هم
كه به اين صرافت افتاد نه تنها
ديگر دير شده بود ، بلكه به خيره
پازهم عقب مانده خاص خود به حل
انها پرداخت و در نتيجه نه تنها از
بار مشكلات گذشته خود نكاست ،
بلكه هم روز بيشتر از روز بيش بر
داشه آنها نيز افزود .

كومه له برخلاف جريان هاى
خط ۳ در ساير نقاط ايران كه
زمينه هاى مبنى حركت خود را از
دست داده بودند عليه رغم اين
عقب ماندگي خود در تصاى زمينه
ها بر بهتر آمده هاى
ناسيوناليسمى موجود در سطح
جنبش انقلابى خلق كرد و با اتكا
به پاگاه دهقانى خود در كردستان
توانست بر سر پا بماند و حضور
عملى او در جنبش ملي نيز به اين
واقعيت كمك تعيين كننده اى كرده
است . درست همين حضور معين
كومه له يا چنين خصوصياتى نيز
او را به كمبه امال تصاى بقاى
خط ۳ در ايران مبدل ساخت و
مناصب با غرور بختن سازمانها و
تشكل هاى خط ۳ به قاىاي نبروها
و معافى خلق به اين جريان
فكرى را به سوى كومه له سوق
داد . و اين بار يك سازمان
ناسيوناليت دهقانى و منطقه اى
با تصاى گرايشات مجبور و عقب
مانده آن مدافع اصلى خط و
مضى موصوم به خط ۳ گرديد .
سازمانى كه هم اينك مسمى است
حزب كمونيست ، يعنى حزب رهبرى
كننده طبقه كارگر ايران را
تشكيل داده است .

اگر در طول بيش از دو دهه
گذشته صلاح جريان هاى طمعى
ماركسيسم را در مواجهه با قدرت
پرولتاريا و سازماندهى و تشكيل
حزبى آن دست ياز بدن . بسمه

خط و مضى و رشكسته خود را بدهند
كه حاصل جمع آن طى سروسه کوتاه
مدت مناسبت با نيازهاى عمومى
اين خط و مضى و رشكسته آن
ورشكسته آن از يك سوى كومه له
به عنوان يك جريان عقب مانده
دهقانى از سوى ديگر همين وجود
جديد الخلقه خط ۳ يعنى حزب
به اصطلاح كمونيست كومه له است .

اما بايد ديد كومه له بعنوان آخرين
بازمانده ديدگاه ناسيوناليسمى
خط ۳ چگونه بوجود آمد و چه
علل و عوامل عيني عليه رغم شكست
قطعى خط ۳ در جنبش كارگرى
به تداوم حركت او كمك كرده است
و مفهوم تلاش هاى امروز او چيست ؟

كومه له در دوران بعد از
قيام بهمن تحت عنوان سازمان
انقلابى زحمتكشان كردستان از
پيوند بخشى از معافى و جمعيت
هاى ناسيوناليت كرد كه اكثر
انها از نقطه نظر فكرى در جارجوب
جريانات خط ۳ قرار داشتند
تشكيل گرديد . درست در همان
روزهاى تشكيل خود نيز عليه رغم
آن كه معافى و تشكلى هاى خط ۳

و اگر در احزابى از نوع
حزب دوطبقه طوقسان و
رنجبران و حزب توده حسنى با
اختلافات سياسى با آنها حزب
طبقه كارگرى بايد حزب
كارگران و دهقانان و پيشروان
مى بود و پروروازي طلى نيز از
جاگاه خاص خود در اينگونه
احزاب مى بايست برخوردار
مى گشت و حزب طبقه كارگر
براى اينگونه احزاب دكان چند
نشر اقشار و طبقات مختلف
بود . . . حزب كومه له
در حقيقت حزب طليت كرد به
عنوان يك باى قصبه و در مصل
پاى اصلى آن و طلى هاى ديگر
بعنوان پاى دوم آن است .

تحت فشار واقعاى سازاره
طبقاى بسارى از خصوصيات
عقب مانده اين معافى و شخصه
هاى فكرى آنها را نفسى كرده
بودند كومه له با همان مختصات
عقب مانده معافى دهه ۴۰ و نه

ت كوتاهى بخشى از معافى
موجود را بهر در كوران جنبش
توده اى سال ۷۵ حول خود تشكيل
ساخت كه اكثر سازمانها و معافى
تشكيل دهنده كفرانرس و مدت
بعد از سرنگونى رژيم پهلوى از آن
جمله بودند .

بخش منتخب كه مهم ترين
تشكلى آن را سازمان بكار تشكيل
مى دايضمن حفظ اساسى ترين
شخصه هاى اصلاى خود ، شخصه
هاى جديدى را نيز بر آنها
افزود از جمله ، اكوتيسم در
برخورد به جنبش كارگرى ،
اوتيسوريسم در برخورد به مسائل
عمومى جنبش و تلاش در جهت
تحصيل ذهنيات خود بر واقعايات
و دامن زدن به ناسيونال كمونيست
و تشويش نمودن آن .

اما دوران رونقى محدود و
كوتاه مدت اين جريانات در پرتو
رشد و افلا . جنبش كارگرى -
كمونيستى ايران و تشكلى و آگاهى
روز افزين طبقه كارگر ايران به
زودى رنگ باخته ، سهرى گشت . و
عليه رغم تلاش هاى بى وقته آنها
رستن آنها در صفى پرولتاريا با
شكست قطعى روبرو گشت . اگرچه
انضام در سازمان ماه مدت كوتاهى
خوراك تليفاتى جديدى در اختيار
آنها گذاشت . ولى سروسه قانونند
نضج و شكوفائى سازاره طبقاى و
رشد و ارتقاء سطح تشكلى و آگاهى
طبقه كارگرى سروسه را بر اين
تشكلى هاى خرده پروروازي هر چه
محدود تر ساخت و اين امر به
بحران داده داري در صفى آنها
دامن زد كه نهايتا ضجر به
قروباى درونى آنها گرديد . و
جنبش كارگرى ايران بكار ديگر
اين جريان خرده پروروازي و ضد
كمونيستى را با ارايش جديدى از نير و
از صفى خود طرد نمود . هر چند
اين انحطاط سياسى - ايدئولوژيك
در شرايط بحرانى جامعه گسترش
روز افزين سر كوب افشار گيخته
رژيم ضجر به تلاشى تشكلى اين
سازمانها نيز گرديد . اما عناصر و
معافى و بقاىاي اين جريان
هم چنان به حضور خود ادامه
دادند و در سروسه بعد از اين
انحطاط بكار ديگر به سوى تشكلى
ديگرى كه در جنبش كردستان
حضور داشت روى آورده و در بكار
نعيف او بار تبختر پرچم داري

پيش پيسوى تشكلى حزب طبقه كارگر

حزب کمونیست کومه له...

تحلیل‌های وارونه از تحولات اجتماعی و ارائه نامیهونالیسم تنگ نظرانه خرده بورژوازی از طریق هم‌سوئی با شعارهای ارتجاعی‌ترین بخش بورژوازی در پوشش ایده‌های تصاویری طلبانه و بسدی و اتوپیستی از صوبالیسم تشکیل می‌دهد. امروز دیگر این صلاح در شرایطی که جنبش کمونیستی و کارگری ایران سرزدهای مشخص طبقاتی چنین دیدگاه‌هایی را آشکار ساخته و از صفوف خود طرد شده است بسیار کمینه گشته است. اگر دیروز ایجاد شکل‌های محلی و کارگانیوری وسیله‌ای برای تخطئه تشکیل کمونیستی ادامه کار و بسا اهداف کمونیستی، در عرصه شش جنبش کمونیستی میدان عمل هر چند محدودی برای خود باز می‌یافت امروز دیگر چنین وسیله‌ای در شرایطی که تشکیل حزب طبقه کارگر به فرجام خود نزدیک شده است و بنیان‌های مشخص ایدئولوژیک سیاسی و تشکلاتی آن برپایی گشته است فاقد هرگونه کارایی است. اگر در شرایط دهه چهل چنین تشبیهاتی عرصه مانوری برای خود می‌یافت امروز دیگر در شرایط تحکیم روزافزون صفوف پیشروان کمونیست، اقداماتی از قبیل حزب سازی کومه له پیشاپیش محکوم به شکست قطعی بوده و هست. دیگر طبقه کارگر ایران دوران تشکلهای غیرحزبی و احزاب کارگانیوری و احیای تئوریهای بورژوازی و خرده بورژوازی را تحت هر پوششی و عنوانی به کور سپرده است. کومه له در این زمینه نیز عقب ماندگی خاص خود را بیشتر به نمایش گذاشته است تا پیشرفتگی خود را و طبق معمول خیلی دیر به صلاح حزب سازی پناه برده و به احیای خاطرات سرده پرداخته است.

شاید ماهیت واقعی تلاشهای کومه له در این زمینه بر خود او نیز روشن نبوده و نیست. چرا که نه دانه حضور عظمی او در جنبش و نه وسعت دید و ماهیت طبقاتی کومه له در این اجازه را به او نمی‌دهد که پدیده‌هایی از قبیل حزب سازی و تلاش‌های خود در این زمینه را ریشه یابی کند. ولی آنچه که مسلم است برخلاف تصور کومه له احزابی از نوع حزب کمونیست او برای اولین بار نیست که در جنبش ایران با توکل به چنین ایده‌هایی

و یا چنین اهدافی اعلام موجودیت می‌نماید. برخلاف تصور کومه له جنبش انقلابی و کمونیستی ایران نزدیک به نیم دو قرن از این گونه احزاب را با همین ایده‌ها و اهداف حزب کومه له پشت سر گذاشته و بقایای این دکان‌های چند نیست. هنوز هم در این یا آن گوشه جنبش مشغول بره‌های دوران زوال زود پرمخود هستند و حزب کومه له اینک تنها فرق اساسی که با این گونه احزاب دارد نه در مریضه‌های اساسی نقطه عزیمت اینگونه احزاب بلکه در شرایط وجودی خود با آنهاست. امروز دیگر جنبش کمونیستی پیش از آن رشد و ارتقاء یافته است و از سازمان‌های فکری برخوردار است که با ابتدائی‌ترین ادراک احزاب طبقه کارگر کومه له بتوان به جنگ آن رفت و این احزاب و سازمانها نیز پیش از آن رسوائی سیاسی و عظمی بسیار آورده اند که بتوانند دوباره در همان قالب گذشته تجدید حیات نمایند. باید متأسفانه با اوضاع و احوال حاکم بر جامعه در دکان‌های و نقش و نگار دکان جدید تغییراتی انجام داد و ظاهر اصلاح ترازی بیشتر قیصر و حکم ترازی به آب کردن بنجل‌های کهنه شده پرداخت و او را کهنه را در وجود نری خود جدیدی که از اعتبار حد اقلی برخوردار باشد دید. اشتباهات املاک کهنه ترا را در جزئیات امور تصحیح نمود و این تصحیحات تأجیز را به حساب فتوحات حماسی حزب گذاشتند گذاشت. و اگر در احزابی از نوع حزب دوطبقه طوفان و رنجبران و حزب توده حتی با اختلافات سیاسی یا آنها، حزب طبقه کارگر می‌باشد حزب کارگران و دهقانان و پیشه وران، می‌بود و بورژوازی ملی نیز از جایگاه خاص خود در اینگونه احزاب منی بایست برخوردار می‌گشت و حزب طبقه کارگر برای این گونه احزاب دکان چند نشتراقتسار و طبقات مختلف بود. حزب کومه له امروز با نوآوری بدیع خود این مشکل را در شرایطی که توکل به چنین ایده‌هایی در جنبش کمونیستی محلی از احزاب ندارد، متناسب با عقب ماندگی و ملایقه دهقانی و خرده خود حل نموده است، او این امر را که دیگر راند جنبش کمونیستی جرات دفاع از چنین نژادهایی را حتی از پروپاگاندای ترین نمایندگان آن نیز طلب نموده است، به عرصه برخورد‌های سیاسی چهره بورژوازی یعنی عرصه تقابل ملیت‌ها کشانده

است و حزب کومه له در حقیقت حزب ملیت گرد بنیان پای سیاسی ضمیمه و در عمل پای اصلی آن، و ملیت‌های دیگر بعنوان پای دوم آن است. حزب کومه له، حزب نگرانی‌های حاکمیت این یا آن ملیت بر این حزب و حزب رفیع این نگرانیهای دهشت انگیز تنگ نظرانه خرده بورژوازی ملت گرد است. راز تقسیم وظائف، برنامه، رهبری و... حزب کومه له در این واقعیت نهفته است. اگر برای اصلاح حزب کومه له "حزب کمونیست" حزب طبقات مختلف نبود، برای کومه له نیز در واقعیت عملی چنین است. اگرچه کومه له با رنگ و لم‌ساب صفت و سخت "کار کمونیستی" و مدین دم حیات بخش روح القدس در تمامی اقتدار و طبقات مختلف اجتماعی، آنها را به شبهه به مذهب جدیدی در می‌آورد و سعی می‌کند بر این سی چهرگی طبقاتی چهره‌ای بیخفتد. ولی این واقعیت در دست کار کومه له ریشه دواند از آن است و خود کومه له پیش از آن متلاطم به آن است که بتواند کاملاً بر این تجانس ماهوی برده استوار گردد. و اصولاً تفرات دهقانی کومه له به او اجازه چنین استواری را نمی‌دهد!

حزب کومه له بسا خصیصات ویژه حاکم بر آن به عنوان حرات خوار شکست و احتشار خط ۳ در جنبش کارگری ایران نه تنها طبقه کارگر ایران را به طایفک حقیر طبقه‌ای کومه له الصاق نخواهد کرده بلکه عرصه را برای حرکت عظمی او حتی در درون جنبش انقلابی خلق کرد نیز هویچه تنگ تر خواهد نمود.

حزب کومه له، حزب دوران محافل در شرایط و آستانه تشکیل حزب طبقه کارگر است. حزب احیای سنت‌های سرده در شرایط زندگی امروز جنبش و حزب شکست - ها و پدیده‌های ناگزیر جریانات متعلق به خط ۳ در شرایط نباحم آشکار و تشنگی پرولتاریا بر دژ سرمایه است. حزب کومه له حزب هزاره از عملی گشتن واقعیت تغییرات بنیانی در ساختار اجتماعی و در تحلیل نهایی حزب دفاع از موجودیت اجتماعی استوار عقاب مانده و مهجور جامعه گردستان است.

اگر احزابی از قبیل حزب کومه له در گذشته توانسته اند در صفحه ۲۶

۱. بهمن ماه همدانی پس از
چهل و ششمین سالروز شهادت
دکتر تقی ارانی یکی از چهره‌های
پروخته جنبش انقلابی و
کمونیستی ایران است. دکتر
تقی ارانی یکی از نخستین کسانی

و با پی‌ریزی و سخت جانی کامل
در تمام پرتله‌های جنبش انقلابی
و کارگری ایران موجبات بسیاری
ضربات خورد کننده بر یکسره آن
گشود است؟ آیا حزب توده ادامه
ارانی بود؟ یا نه، حزب توده

ارانی و گروه او در شرایطی
بازگشت به محافل شوریه و انتشار
ضراغ يك مجله جلسی را به عنوان
تمامی فعالیت خود طرح ساختند که
حزب کمونیست ایران با برنامه
روشن و مشخص خود نه تنها در عرصه
داخلی بلکه تضایب با پراتیک
صلی خود در بین الملل کمونیستی
نیز فعالیت چشم گیری را پیش
برده بود، دارای نفوذ در بخشهای
آگاه طبقه کارگر ایران و تشکیلات
کارگری در ایران بود که علیرغم
ضربات دیکتاتوری رضاشاهی هنوز
هم بعنوان يك نیروی بالقوه
طرح بوده اگرچه ضربات پلیس
رضاشاه عرصه عمل آن را محدود
ساخته و فروکش جنبش انقلابی
خود بخود بسیاری از زمینه‌های
عمل آن را در واقع از میان برد
بود، اما در همان روزهای نیز
که ارانی و گروه او مشغول انتشار
مجله خود بودند و یا بعد از
دستگیری آنها، چه در زندانهای
رژیم پلیسی و چه در بیرون آن
و چه در سطح احزاب ضمر کمیترون
هنوز حزب کمونیست ایران
بعنوان يك نیروی مبارز و
آشنای ناپذیر حضور داشت و
برنامه روشنی را برای هدایت
جنبش کارگری و انقلابی ایران
عرضه داشته که در طی دو کنگره
خود آن را تصویب و تثبیت نموده
بود.

در حقیقت ضمن و شکل
فعالیت دکتر ارانی متناسب با تمامی
مجموعه عوامل و شرایط روزگار خود نه -
تنها گامی به پیش نبود در مقایسه با
فعالیت حزب کمونیست ایران،
صدها گام به عقب بود. برنامه
ارانی و گروه او در مقایسه با
برنامه حزب کمونیست بی‌برناکی
مندی و شکل آنها در مقایسه با
تشکیلات حزب کمونیست، فاقد
هرگونه چهره مشخص مبارزاتی و
طبقه‌ای معین و در بهترین حالت
يك تشکل روشنفکری خسرده -
پورروائی بود. درست همانطور
که ضمن فعالیت آن در مقایسه
با ضمن فعالیت و جنبه‌های
برنامه صلی حزب کمونیست
ایران کاملاً غایب از هرگونه
عنصر پیش‌تاز و اندیشه هدایت
و رهبری طبقه کارگر بود.

يك مقایسه کوتاه بین
اصول برنامه‌ای حزب کمونیست و
برنامه حزب توده در آغاز فعالیت
آن که عیناً ملهم از اصول
ارانی در این زمینه بود تفاوت
کیفی و اساسی بین دو برنامه
را آشکار می‌سازد.

از صفحه ۳۰ به سبب چهل و ششمین سالروز

شهادت دکتر تقی ارانی

بود که در سالهای دیکتاتوری
صاه رضاشاهی دست به سرودج
فرهنگ و جنبش مارکسیستی زده،
با انتشار مجله‌ای بنام "رنیسا"
تلاش نمود جهان بینی مارکسیستی
را اشاعه داده و آن را در بررسی
پدیده‌های اجتماعی به کار گیرد.
آثار باقی مانده از ارانی عمل
تلاش وی در این زمینه را آشکار
می‌سازد.

دکتر تقی ارانی در طول
دوران کوتاه فعالیت خود گروهی
از روشنفکران انقلابی را حول
فعالتهای انقلابی خود تشکل
ساخت و بعد از انتشار چندین
شماره از مجله "رنیسا" همگی
آنها به همراه خود ارانی توسط
پلیس رضاشاهی دستگیر و به
زندان کشیده شدند. گروه
ارانی که به گروه پنجاه و سه نفر
صروف گشت، بعد از سقوط
رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ از
زندان آزاد شدند و حزب
توده ایران را در همان سال
پیشان نهادند.

دکتر تقی ارانی در جریان
بازجویی و محاکمات گروه
پنجاه و سه نفر رنجیده مقاومت
و پایداری بی‌نظیری از خود
نشان داد و دست به افشاگری
چهره منصور رژیم پلیسی زد و
بخاطر همین استواری در
اعتقادات انقلابی خود نیز توسط
جلادان شهربانی رضاشاه
به شهادت رسید و یادگار
جاودانه ای از مقاومت و پایداری
و اعتقاد تزلزل ناپذیر از خود
بر جای نهاد.

در سالروز شهادت ارانی
سلماً برای هو خواننده نگه‌بینی
این سوال می‌بایست طرح باشد
که چرا گروه ارانی به حزب توده
ختم شد، آن هم حزب توده با
برنامه سالهای دهه ۲۰ حزبی
که تا امروز نیز ایورتونیسم
عریان آن هر روز عمیق تر گشته

تافته جدا بافته‌ای از ارانی
بود؟ اصولاً نقطه عزیمت ارانی
در تشکر و عمل چه بود و چه
باسخی به ضرورتهای صبرم
دوران خود می‌داد؟

بدون تردید زمانی که ارانی
بنیانگذاری يك مجله مارکسیستی را
بعنوان وظیفه کمونیستها
تشخیص داده و خود به انجام
این وظیفه اقدام نمود و هم
خود را صرف اشاعه مارکسیسم
ساخت، آنهم در محدوده نظام
حاکم و با پذیرش چارچوبهای آن که
در دفعیات او بر اساس قانون
شرطه و غیره منعکس است، بهیچان
چریکی را سر گذاشت که در شرایط
آن روز جنبش کمونیستی ایران
نه تنها ادامه سنت‌های مبارزاتی
کمونیستی و کارگری ایران نبود
بلکه کاملاً متضاد و فرسنگها
دور از آن نیز بود. دکتر تقی
ارانی زمانی به اشاعه مارکسیسم
از طریق ایجاد يك محفل تشویک
دست یازید که سالها قبل آن
حزب کمونیست ایران بوجود آمده
بود و در براتیک مبارزاتی دوران
خود همچون جنبش کیلان و
غیره شرکت فعال کرده برنامه
روشن و بسیار پیشرفته‌ای را ارائه
نموده بود، که فعالیت ارانی و گروه
او نه تنها در ادامه جنبش
برنامه‌ای و حزبی نبود، بلکه عملاً
و نظراً نسبت به فعالیت و وسعت
دیدگاه و عملکرد حزب کمونیست
بازگشت به عقب و به تشکلهای ماقبل
- حزبی و محفلی نیز بود.

سازماندهی و تشکلی که دکتر
ارانی و محفل او ارائه کردند
اهدائی را که در پیش‌روی خود
قرار دادند، برنامه‌ای که آنها
برای فعالیت خود طرح ساختند، و
در عمل به آن دست زدند، فاقد
ضمنین برخورد مارکسیستی به
امر تشکل طبقه کارگر و حرکت
در جهت رشد و ارتقاء مبارزات آن
سازماندهی و هدایت و رهبری
آن بود.

ارانی...

حزب کمونیست ایران در دومین کنگره خود (کنگره اروپا) در سال ۱۳۰۷ میلادی

مهم ترین شعارهای حزب کمونیست ایران در این دوره باید تابود کردن رژیم سلطنت و استقرار جمهوری انقلابی باشد. جمهوری انقلابی با وسائل لازم اجرای وظائف رهبر را عهده دار شود.

(۱) حفظ استقلال و تمامیت ایران در مقابل دول استعماریت

(۲) استحکام علاقه و دوستی مابین ایران و اتحاد جماهیر شوروی

(۳) سرودن امور و سازمان حکومتی بدست عناصر انقلابی.

(۴) محو و نابود کردن قلمی بقایای فئودالیسم و تقسیم زمینهای اربابی و بهره پسین دهقانین

(۵) استقرار کامل آزادی و دموکراسی

(۶) وضع قوانین برای کارگران و حفظ حقوق آنها و صلح کردن تشکیلات کارگران و دهقانین و صنعتگران

(۷) وضع قوانین انقلابی که با شدیدترین وجهی همه اقدامات و کوششهای ضدانقلابی را برای استقرار اصول قدیم محو و نابود سازد. (تاکیدها از ما)

پنجم حزب توده با الهام از آموزشهای ارانی و دفاعیات او در سال ۱۹۲۰ و در نخستین گامهای آغاز فعالیت خود به می گوید و چگونه می خواهد در افواج بحرانی بعد از شهریور ۲۰ طبقه کارگر را هدایت و رهبری کند.

حزب توده نخستین شمار مبارزه [خود را] با قواوت مشترک همه طبقات و قشرهای

آزادخواه در مقابل رجعت دیکتاتوری اعلام داشت و برای

این منظور دو نکته را هدف خوش قرار داد [که به هم حزب توده] می توانست خواست نیروهای وسیعی را ضامن سازد:

(۱) بدست آوردن آزادیهای که به موجب قانون اساسی برای ملت ایران شناخته شده است، جلوگیری از ارتجاع و

استبداد به قدرت جمعی توده

ایران

در تدوین اصول سیاسی مرام [حزب توده] نیز در بدو تأسیس همین نظر ملحوظ شده است:

(۱) حفظ استقلال و تمامیت ایران

(۲) برقرار کردن رژیم دموکراسی و تأمین کلیه حقوق فردی و اجتماعی از قبیل آزادی، زبان، نطق، قلم، عقیده و اجتماعات

(۳) مبارزه علیه هرگونه رژیم دیکتاتوری و استبدادی

(۴) اصلاحات لازمه در طرز استفاده از زمین و زراعت و بهبودی بخشیدن به وضع زارعین و دهقانان و توسعه زحمتکش ایران.

(۵) اصلاحات اساسی در امور فرهنگی و بهداشتی و تعلیمات اجباری و معانیسی عمومی و تأسیس استفاده توده ملت از کلیه سرحل فرهنگی و بهداشتی

(۶) تعدیل مالیاتها و در نظر گرفتن ضایعه توده

(۷) اصلاح امور اقتصادی و بازرگانی و توسعه صنایع و معادن و وسائل حمل و نقل از قبیل ایجاد و نگاهداری راههای شوسه و تکمیل خطوط آهن.

(۸) ضبط اموال و دارائیس پادشاه سابق به نفع ملت ایران.

(عبدالمحمد کاخچر، نظری به جنبش کارگری و کمونیستی در ایران مجموعه مقالات - تاکیدها از ما)

اگر قدری در شعارها و اهداف برنامه ای حزب کمونیست ایران و حزب توده ایران بحث نمائیم تفاوت اساسی بین آنها را کاملاً درك می کنیم.

حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۰۷ در دومین کنگره خود

تأیید کردن رژیم سلطنت سخن می گوید و حزب توده بعد از ۱۳ سال در سال ۱۳۴۰ از "مقاومت مشترک همه طبقات..." در

مقابل رجعت دیکتاتوری.

حزب کمونیست در سال ۱۳۰۷

استقرار جمهوری انقلابی را در صدر برنامه خود قرار می دهد و حزب توده در سال ۱۳۲۰ از جلوگیری از استبداد و بدست آوردن آزادیهای که به موجب

قانون اساسی برای ملت ایران شناخته شده است سخن می گوید.

حزب کمونیست در سال ۱۳۰۷

"محو و نابود کردن قلمی بقایای فئودالیسم و تقسیم زمینهای اربابی بین دهقانان وضع قوانین برای کارگران و حفظ حقوق آنها و صلح کردن تشکیلات کارگران دهقانان و صنعتگران وضع قوانین انقلابی که با شدیدترین وجهی همه اقدامات و کوششهای ضدانقلابی را بر استقرار اصول قدیم محو و نابود سازد" را با قطعیت تمام در صدر برنامه عملی خود قرار می دهد و حزب توده در سال ۱۳۲۰ "اصلاحات لازمه در طرز استفاده از زمین و زراعت (و نه ضایعه آن) و بهبود بخشیدن به وضع زارعین و دهقانان" تعدیل مالیاتها "اصلاح امور اقتصادی و بازرگانی" "ضبط اموال و دارائی پادشاه سابق (تجده کنید فقط پادشاه سابق نه دربار و همه زمین داران) را راهنمای عمل خود قرار می دهد.

فاصله عمیق دو برنامه یعنی برنامه حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۰۷ و برنامه حزب توده در سال ۱۳۲۰ با در نظر گرفتن رشد و فتیلا مبارزه طبقاتی در جامعه ایران بعد از شهریور ۲۰ بخوبی آشکار می سازد که گروه بنیاد و رهبر ارانی تا چه حد عقب گرد تاریخی داشته اند و چرا هیچگاه نیز حزب توده ایران توانست و نمی توانست این عقب ماندگی تاریخی را نه تنها جبران کند بلکه هر روز و به تناسب از میان رفتن شور انقلابی اولیه حاکم بر این تشکیلات این عقب ماندگی تاریخی به زوال حزب توده شتاب هرچه بیشتری بخشد.

بدینگونه است که اگر از نقطه نظر ضروریات وضع رشد و ارتقا مبارزه طبقه کارگر و رهبر جنبش کمونیستی در ایران به دآوری درباره فعالیت ارانی و گروه او بنشینیم، مله نمی توانیم فعالیت گروه ارانی در دهه ۲۰ را یک فعالیت تصنیعی به مفهوم خام آن بعنوان فعالیت در جهت هدایت مبارزه طبقاتی طبقه کارگر و ارتقا سطح آگاهی و تشکیلات طبقاتی آن ارزیابی کنیم و از این جنبه به ارزش گذاری آن دست می یازیم. فعالیت ارانی و گروه او فاقد چنین خصیصه ای بوده است، امری که در ادامه فعالیت گروه ارانی و بعد از تشکیل حزب توده ایران نیز از پیش خود را

در صفحه ۲۱

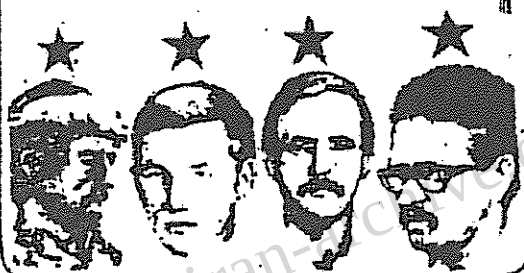
درست به همانگونه که با برپائی جنگ
خونین مستندج در نوروز سال ۵۸
به چنین اقدامی دست یازید.

بمناسبت
شهادت فدائیان خلق، رفقا:

توماج، مختوم، واحدی و جرجانی

رهبران شوراهای

خلق ترکمن



اما رژیم بدلیل حضور
قدرت ضد توده های صلح و انقلابی
در صحنه دفاع از دستاوردهای
صباران خونین خود علیه رژیم
پهلوی توانست بر اهداف خود
فائق آید و جنگ فروردین ۵۸
ترکمن صحرایا به پیروزی خلق ترکمن
پایان پذیرفت و این پیروزی
وثیقه ای برای تحکیم قدرت شوراهای
در منطقه گردید. قدرت شوراهای
که تحت هدایت سازمانترکمن
سازمان جریکهای فدائی خلق ایران
و اعضای فعال آن رفقا توماج و
مختوم، واحدی و جرجانی قرار
داشت به سرعت تمامی مناطق
ترکمن نشین منطقه را دربرگرفت،
زمین های دیربایان و بزرگ -
زمین داران و وابستگان به
امپریالیسم، با تمامی تجهیزات و
مسائل تولید موجود صادره
گردید و کشت شورائی و جمعی
در سرزمین ترکمن صحرایا که اکثر
مناطق آن دارای کشت ماکانیزه
بود، آغاز گردید و اتحاد زحمتکشان
خلق ترکمن در تمامی عرصه ها به
یک واقعیت عملی بدل گشت و
شوراهای به قدرت اداره کننده
منطقه، سازمان دهنده تولید و
اموال حاکمیت سیاسی و اقتصادی و
... دهقانان زحمتکش منطقه

سجراک بهیت ونهم بهمن ماه
۱۳۵۸، پیکر خونین رهبران
خلق ترکمن، رفقا توماج، مختوم
واحدی و جرجانی در جسد
پنجور در گور پیدا شد، آنها
در شب نوزدهم بهمن ماه یعنی
۱۰ روز پیشتر از آن، هنگامی که
در نیمه شب و بعد از یک مذاکره
طولانی با نمایندگان رژیم
جمهوری اسلامی در ستاد مرکزی
شوراهای دهقانی خلق ترکمن
عازم خانه های خود بودند، توسط
مزدوران رژیم جمهوری اسلامی
رسیده شدند و بعد از انتقال به
تهران، و بازجویی و شکنجه در
زندان های آهن و سلطنت آباد
بدست مزدوران رژیم به شهادت
رسیدند. رژیم جمهوری اسلامی
جرات اعلام ملنی جنایت هولناک
خود را نداشت و بی غرضانه و
صوریانه تلاش نمود، این توطئه
جنایتکارانه خود را گمان کند.
اما چهره کوبه ضد انقلابی این
رژیم رسواتر از آن بود که پیرو
عوامل فریب و ترس بتواند آنها
پنهان سازد.

رژیم جمهوری اسلامی
بدنبال دستگیری توماج و دیگر
رهبران خلق ترکمن یعنی از همان
روز ۱۹ بهمن حمله وسیع و
گسترده ای را به خلق ترکمن آغاز
نموده، نخست به تظاهرات پادشاه
سیاهکل حمله کرده، سپس با
تمرکز نیروی نظامی به ستاد
سوزنی شوراهای پورش آورده بود.
و در جریان حملات خود با انبساط
سلاح های سنگین خانه و گاشانه
زحمتکشان خلق ترکمن را آماج
حملات خود ساخته بود حتی بخش
ترکمن نشین شهر گند را به
هراته ای بدل ساخته بود، هر
چند توانسته بود هنوز اراده
صلح توده ها فائق آید با ترور
رهبران شوراهای خلق ترکمن
سی خواست به اهداف ارتجاعی خود
در منطقه حمله عمل بپوشاند.
شوراهای خلق ترکمن از همان
بدو پیدایش خود در روزهای
نخست بعد از قیام مورد کینه و
تفرست مترجمین تازه به قدرت
خفته بودند و در همان ماههای
اول موجودیت ضد انقلابی رژیم
جمهوری اسلامی مورد وحشیانه
ترین پورش آن قرار گرفتند و
رژیم تازه به قدرت رسیده به
تنامیب خلق صلاح توده های صلح
قیام کننده در شهرهای سراسر
ایران در ترکمن صحرایا نیز تلاش
نمود با سرکوب شوراهای حاکمیت
ارتجاعی خود را تثبیت نماید

بدل گشتند. در طول حیات کوتاه
این شوراهای خلق ترکمن گام های
بسیار بزرگ و ارزنده ای را به پیش
برداشت توده ها صلح گشتند خود
به رتق و تقص امور خود پرداختند
و بر بسیاری از ناهماهنگی های
اجتماعی قلمه کردند.

پشتوانه حضور عملی این
شوراهای در ترکمن صحرایا بدین تریب
قدرت انقلابی توده ها در سراسر
ایران و حضور فعال سازمان
جریکهای فدائی خلق ایران
بمقتوان قدرت مندترین سازمان
سراسری و دفاع قاطعانه آن از
دستاوردهای انقلابی توده ها
بود. بدین بود که رژیم جمهوری
اسلامی بدین قلمه بر این
پشتوانه عظیم سراسری و بسط و
گسترش قدرت ضد انقلابی خود
در سایر مناطق ایران به راحتی
تواند به پورش همه جانبه دیگری
به ترکمن صحرایا نمود. همانطور که
شکست پورش فروردین ۵۸ رژیم
به ترکمن صحرایا نیز علاوه بر مقاومت
قهرمانانه خلق ترکمن ریشه در
چنین واقعیتی داشت.

اما در ۱۹ بهمن ماه ۵۸
توازن نیروی گذشته وجود
نداشت رژیم در سرکوب شوراهای
کارگری، در خلق صلاح توده ها،
صوفیت هائی بدست آورده بود و
علیرغم شکست پورش خود به
کردستان انقلابی با دست زنیه
یک مانور سیاسی و اشغال
سفارت آمریکا شاک عیسی را در
ایران زمین ایجاد نموده، پرموج
توهمات ناشی از این حرکت خود،
سوار گشته بود. اقدامی که حتی
در مهم ترین نیروی مخالف رژیم
یعنی سازمان جریکهای فدائی خلق
ایران نیز شاک ایجاد نموده،
بخشی از رهبری سازمان ما یعنی
اکثریت کینه مرکزی را به
دنیال روی از سیاستهای رژیم
کشانده بود و تردید و تزلزل و نهایت
اختراع از هرگونه مقابله جدی با
رژیم را به سیاست این بخش از
رهبری سازمان بدل ساخته بود،
اموری که در واقع انعکاس خود
را در سیاست های حیوانانهای
اشکار می ساخت که نخستین قربانی
آن شوراهای خلق ترکمن و
رهبران قهرمان آن بود و در
حقیقت زمانی که رژیم جمهوری
اسلامی پورش مجدد خود به
شوراهای خلق ترکمن را آغاز کرد،
علیرغم این تادیکی پرقدرت
توده های زحمتکش در تمامی
عرصه ها، بی سیاستی رهبری
در صفحه ۲۷

گواهی یاد

یاد و خاطره شکوهمند شهدای ۲۳ بهمن ۶۱

مشی انقلابی و پسرانتری سازمان
در شاخه را با آخرین نبرد حماسی
خود، سجل ساختند.

فرماندهی این عملیات
شهرانه را، رفیق معبود رفیق
عضو سازمان جریکهای فدائى
خلق ایران، عضو کمیته کردستان
و از قاطعترین مخالفان مشی
حاکم بر شاخه در آن زمان، عضو
کمیته نظامی شاخه کردستان، و
یکی از حضورترین و برجستهترین
فرماندهان نظامی سازمان بر
کردستان سرعده داشت و
بسیاری از افراد تحت فرماندهی
او نیز همسین رفیق علی نودری
عضو شورای فرماندهی، حسن
محض پور، حیدر و... از
شجاعترین پیروان شاخه
کردستان بودند.



در دومین سالگرد شهادت
این رفیق، بهتیم با آموزش
از طاعت، پیگیری و شجاعت
انقلابی آنان، خاطره شان را گواهی
داشتند و با تمامی وجود، بر آنچه
که آنان با خون خود و با تمامی
وجود خود به دفاع از آن
برخواستند، پای فشاریم.



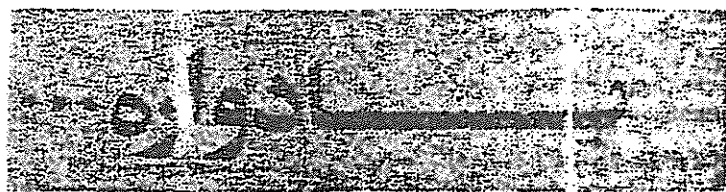
و شکافی که این معشوران در
صدر انقلاب بخشی از غنائم
جنگ بدست آورده بودند، در
محاصره و محاصره و گسترده مزدوران
رژیم قرار گرفته و ماقابا به
مقابله با آنها برخاستند و
حماسه ای دیگر بر حماسه های
خونین سازمان افزودند.

آنها با تعداد اندک خود
در مقابل یورش فزاینده مزدوران
که تعداد آنها بیشتر از
۱۵۰ نفرین ملو از مرتشیان
ملح به انواع واقسام اسلحه های
سنگین و گالیبر ۵۰ بودند،
ایستادگی کردند. نه تعداد
بیشتر مزدوران و نه آتش
سلاحهای سنگین پایگاههای
اطراف هیچکدام نتوانست در
اراده و عزم آهنین و ایمان
خلل تابند. آنها به ارمان هایشان
غلبه نمایند بلکه بر عکس آنها را
هرچه بیشتر به سوی یک نبرد
سرنوشت، رهنمون ساخت و تلاشهای
غیث معشوران را، که در مسدد
بودند آنها را به تسلیم واداشته
و دستگیر نمایند، با شکست روبرو
ساخت. آنها طی این نبرد حماسی
یکبار دیگر وفاداری به ارمان
توده های مضطرب و عید و پیمان
خونین کسریتها را با کارگران
و زحمتکشان تجدید نمودند و
بار دیگر زوینی و ناتوانی رژیم را
در مقابل با عزم راسخ مبارزان
راه رهائی، د. گامی و مسیالیم
به اثبات رسانیدند.

شهادت قهرمانانه یازده
بیشتر که دلیفر فدائی در ۲۳
بهمن در یکی از حساسترین
لحظات حیات شاخه کردستان
سازمان جریکهای فدائى خلق
ایران و در صدد در لحظات
رواروقی قطعی با خط و مشی
لیبرالی حاکم بر شاخه کردستان
صورت گرفت. و شهدای ۲۳ بهمن
نه تنها رژیم جمهوری اسلامی،
بلکه طب لیبرالیسم در شاخه
کردستان را نشانه گرفته بودند
و قاطعانه می توان گفت آنها
بمنوان پیشروان مبارزه درونی
تشکیلات، احیاء و تثبیت خط

روز ۲۳ بهمن در محلات
شاخه کردستان یک روز فراموش
ناشدنی است، در ۲۳ بهمن
یازده فدائی خلق با عزم و
اراده ای آشکار در مقابل دشمن
کارگران و زحمتکشان ایستادند و تا
آخرین گلوله و آخرین نفس به
نبرد حماسی خود ادامه دادند
و با تشار خون خود، عزم و اراده
آهنین خلق کرد را بر پهنه
خونین کردستان یک بار دیگر
حک نمودند. اما اهمیت ۲۳ بهمن
تنها منحصر به این جنبه از
مبارزه معشوران پاکبخته این
نبرد حماسی نبوده و نیست،
فدائیانسی که در این نبرد رهاوری
پسر و فرزندان جان باختند، قبل
از همه در مقابل لیبرالیسم
درون تشکیلات شاخه کردستان
ایستاده و با آن توطئه حساب
قلعی نمودند و با تمامی وجود
خود، سرگ قطعی خط و مشی حاکم
بر شاخه را سجل ساختند، و
با خون خود، زمین را زیر پای
آن صفت نمودند. قهرمانان
این نبرد حماسی که خسود از
پیشروان مبارزه علیه لیبرالیسم
و مدافعان سرخست خط و مشی
انقلابی سازمان بودند در این
روز تاریخی، در حقیقت نه تنها
قدرت و اراده آتشی ناپذیر
خود در مقابل رژیم جمهوری
اسلامی بلکه در مقابل هرگونه
انحراف بورژوازی و خرده بورژوازی
در درون تشکیلات را نیز به صفا
ظهور رساندند.

عملیات شجاعانه ۲۳ بهمن
در ادامه یک رشته عطیات های
گسترده و در ادامه ده روز جوله
سیاسی - نظامی پیشروان فدائی
برای پیروان حماسه میافکند
و خاطره شکوهمند تمام بهمن
توده ها صورت گرفت. این
عطیات در حقیقت پایانی این سلسله
تهاجمات پیشروان فدائی به
مزدوران رژیم در محور حصار
سبز - یگان بود که در طی آن
پیشروان ضریات کاری بودند
و در آورده بودند و در صدد
در لحظات پایانی درگیری و



از صفحه ۳۰

★ فدائی شهید رفیق محمود رحمتی

به طاعت رستاخیز سپاهان و قیام
شکوهند ۲۲ بهمن طرح و اجرا
نمود نه تنها قلب مزدوران رژیم
بلکه لیسرالیسم حاکم بر شاخه را
نشانه رفت و در این عملیات
دلیرانه و حماسی با شجاعت و
قهرمائی تا آخرین لحظه طبعه
دشمنان خلق جنگید و قلب
پراز مهر و بزرگ او آماج گلوله
های مزدوران قرار گرفت و از
طیش باز ایستاد و با غرور و
سرافرازی يك فدائی خلقی
به شهادت رسید.

در سالروز شهادت او بهشتکار
پیگیری و قاطعیت کمونیستی و
ایمان به آینده روشن کارگران
و زحمتکشان را از محمود بیاموزیم
و بگوئیم: «فخیم محمود»
در مقابل تمامی مشکلات بسا
آزاده ای آهنین باقیم و راه
آینده پیروزند کارگران و
زحمتکشان را با تلاش خستگی
ناپذیر خود هموار سازیم.

★ فدائی شهید رفیق

علی نوذری

رفیق علی در سال ۱۳۴۱ در
شهر قزوین دیده به جهان گشود.
او با آغ گیری مبارزات شکوهند
توده ای که ضربه قیام بهمن
گردید به فعالیت سیاسی رو آورد
و در تابستان ۵۸ برای گسترش
مبارزه اش و حضور در صف مقدم
آن سلاح بردست گرفته و به صفوف
پیشرگان رزنده خلق گسرد
پیوست. علی بدنیال عقرب
تشیسی رژیم برای ادامه تحصیل
به مدرسه بازگشت و بار دیگر در این
سنگر با ادامه فعالیت خود
در افتاء جهیه کریمه رژیم و دفاع
از حقانیت جنبش انقلابی خلق
کرد به کار آگاهگرانه پرداخت.
طی این مدت يك بار اوتوسط
مزدوران دستگیر و پس از مدتی
آزاد شد که از آن پس به پیشرگان
حزب دمکرات پیوست.

علی با روحیه ای سرشار از
آزادی و مبارزه جوی در جنبش
انقلابی خلق گسرد و زنده و يك
لحظه در حقانیت راه پرشکوهی که
بدنیال کرده بود دچار تردید
نگشت لیکن او در جریان زندگی
واقعی و مبارزه با یاروی امضت
که برای تحقق آرمانهای انقلابی
که همانا آرمان کارگران و زحمتکشان

رفیق محمود با پشتکار و
پیگیری و عشق و علاقه به رهائی
زحمتکشان به مبارزه خود ادامه
می داد تا اینکه رفیق را به
پادگان صربان انتقال دادند.
محمود در پادگان صربان به
اقدامات انقلابی خود ادامه
می داد اما توان و انیسری و
فعالیت او بعدی بود که در این
محیط نیز نمی توانست خود را
قانع نماید که در آنجا و در صفوف
پرستل انقلابی ارتش باقی بماند
ناچاراً طبق رهنمود سازمان به
صفوف پیشرگان رزنده فدائی
پیوست و در تمام عملیات
پیشرگان علیه سرکوبگران خلق
کرد فعالانه شرکت نمود. محمود
بعد از انشعاب و رد خطا ثنائیه
انگسیت با انیسری و پشتکار و
پیگیری بیشتر از پیش به احیاء و
سازماندهی تشکیلات پیشرکه
در خنجر گردستان همت گذاشت و
با تمام توان در مبارزات خلقی
کرد شرکت نمود. رفیق در يك
درگیری جسورانه با مزدوران
رژیم در کلهوثری فرودگاه
صندج از زخمیه چشم و سینه
زخمی شد.
يك چشمش را از دست داد. در
تمامی زندگی مبارزاتی خود
محمود شایستگی و کارائی
فوق العاده ای در مبارزات پیرونی
و پیرونی تشکیلات از خود آشکار
ساخت و در مقابل گرایشات انحرافی
ایستاد و به دفاع از سنن انقلابی
سازمان پرداخت او در سال ۶۱ با
قاطعیت و پیگیری هرچه بیشتری
در مقابل گرایشی لیسرالی حاکم بر
شاخه ایستاد و می توان گفت با قاطعیتی که
از خود آشکار ساخت سرچشمه
اصلی مبارزه علیه لیسرالیسم در
شاخه گردید و نهایتاً جان خود را
نیز وقف آن نمود.

رفیق محمود سبیل اخلاق و
خداست انقلابی بود. شجاعت
خلافت، پیگیری و جرات انقلابی
او همیشه سرمشق ارزنده ای
برای رفیقایش بوده است. رفیق
محمود با آخرین عملیات خود
در روز ۲۳ بهمن ۱۳۶۱ که

رفیق محمود در مهرصل
۱۳۶۲ در روزهای «یورقیل» از
توابع حقز دیده به جهان گشود
محمود از عرصان اوان در محیط
اجتماعی زندگی با درد ورنج
و فقر زحمتکشان آشنا گردید و
در تمام زندگی برای چاره آن
تلاش نمود و جان خود را وقف
این تلاش نمود. محمود پس از
اتمام دوره تحصیله به تهران
رفت و به آموزشگاه گروهبانسی
ارتش راه یافت. اگرچه در درون
ارتش به يك گادر ورزیده و لایق
تبدیل شده بود اما آن ارتقاء
بغیه برایش صبر بود اما زندگی
و کار در درون ارتش ضد خلقی
برایش قابل تحمل نبود. رفیق
که قلبی آکنده از مهر و علاقه و
عشق به توده های زحمتکش داشت
نمی توانست در درون سیستم
ارتش به يك مبره گوش به فرمان
تبدیل شود.

رفیق محمود قبل از آغاز
قیام برای مبارزه علیه دشمنان
خلق و سیستم حاکم بر ارتش در
صفوف پرستل انقلابی درون
ارتش به مبارزه برخاست و بعد از
قیام با جمعیت گروه های طبقه
مركز هتکاری نمود و از این
رهبر بود که در سال ۵۸ در
ارتباط سیستماتیک با سازمان
قرار گرفت.

رفیق در جریان اولین پیورش
رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به
گردستان، با ابتکار انقلابی خود
در اقدام به تشکیل هسته های
درون ارتش نقش ارزنده ای ایفا
نمود. همچنین در سازماندهی
تحصن آرتشیان در پادگان حقز
و شرکت فعال در مبارزات علیه
رژیم در پادگان
تحصین آرتشیان بر سر و به
همین دلیل نیز دستگیر و زندانی
گردید و حکم اعدام اوتوسط
خلعائی جلالت صادر گردید. اما
اعتبار و نشیون او در درون
مبارزان و پرستل انقلابی ارتش
که با انحراف و دخالت خود مانع
از اجرای این حکم گشتند اقدام
رژیم را ناکام گذاشت.

★ فدائی شهید رفیق

حسن محمد پور

رفیق حسن

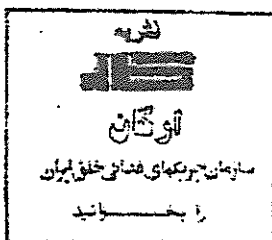
سال ۱۳۴۰ در شهر سقز متولد شد و تحصیلاتش را تا پایان دوره متوسطه ادامه داد.

حسن طی مدتی که در صفوف بهمنگران سازمان علیه نیروهای سرکشیگر جمهوری اسلامی جنگید همواره نمونه یک رفیق پر شور و با لیاقت، فداکار و وفادار به آرمان سازمان و رزمندگان خستگی ناپذیر راه رهایی متحرکان از قید و بند سرطانی داری و فقر و استثمار بود. این را حسن بارها در جریان عمل و عرصه های مختلف صحرای باثبات رسانید. از همین رو نیز بر از اینک به صافران سرانجام سخت را پشت سر گذارد و صلاحیت و قابلیت های خود را آشکار ساخت توانست سطح معاونت فرماندهی دسته های عظیماتی بهمنگران فدائی و عضویت در شورای نظامی ارتقا یابد.

تمام نزدیکان او با زحماتکنان بسیاری از خضائل طبیعت و تودای را در وجودش پرورانده بود بطوری که همیشه بسیار از خاضره های شورانگیز صحبت و گریه رضیانه اش در برخورد با زحماتکنان و همسران او راندنی می ماند.

حسن که خود فروزند راستین زحماتکنان خلق کرد بود تا به آخر با تمام توان برای رسیدن به اهداف و آرمان کارگران و زحماتکنان در صفوف سازمان جنگید و جان خود را فدای راه سرخی نمود که قدم گذاردن در آن مستلزم وجود اراده ای قوی و عزیزی آهنین می باشد چیزی که حسن بعد از آن برخوردار نبود.

خاطره ها را خواند
پادشاه گرامی باد!



کورانی، پیرایه و خم مبارزه علمی را از چشمان بسته کرده و دریافت و خیز خود بر آن صیقل زد که از او عنصری سرخشت بیگر و قاطع ساخته بود و او را از تمامی خصوصیات یک فرمانده کمدتست ساخته برخوردار کرده بود.

علی در برخورد به خط مشی لیبرالی، حاکم بر شاخه سازمان از خود جدیت زاید الیافی نشان داد و برای زدودن آن از پیگیری تشکیلات بهمنگیر دیگران تلاش می ورزید. علی در عملیات ۲۳ بهمن خون خود را وقفه تحکیم خط مشی انقلابی سازمان در شاخه و رهائی کارگران و زحماتکنان نمود پادشاه گرامی باد!

زحماتکنان با رویه ای سرشار از شور انقلابی مدام فعالیت نمود تا اینکه در سال ۱۳۳۹ شناسایی و دستگیر گردیدند که بهر از تحصیل شکبه و آثار توانست با همسراری انقلابی در حفظ اصرار خود از جنگ مزدوران جان سالم بدر برد. مزدوران او را از دبیرستان اخراج و از ادامه تحصیل محروم ساختند و بعد از مدت کوتاهی مجدداً برای بازداشت او اقدام کردند که این بار شاهر با اراده خصل ناپذیر خود تلاش آنان را بی ثمر گذاشت و به تهیه تشکیلات بهمنگیران فدائی پیوست.

تا اینکه در آگاه ۲۳ بهمن در حال که آخرین گلوله ها بر او به قلب مزدوران رژیم نشانه می رفت در صحنه خونین عملیات در میان رگبار گلوله و انفجار آهسته آهسته جان باخت.

پادشاه گرامی باد!

فدائی شهید رفیق علی

بود باید مراحل دیگری را طی نماید و عرصه های دیگری را بهر از بهر این قبل از همسر ارتقاء آگاهی سیاسی خد کوشید و با شناخت از مواضع نیروها سازمان را برگزید و از نقطه پیوستن تا لحظه ای که در میان مقاومت حماسی رفیقان خود آماج گلوله مزدوران قرار گرفت و به خاک افتاد مدام در ارتقاء آگاهی و کارآییهای نظامی اش کوشید و با جدیت و پیگیری خاص خود به یکی از برجسته ترین بهمنگران سازمان تبدیل گشت و تا سطح فرماندهی نظامی و عضویت در شورای نظامی و کاندیداتوری عضویت در سازمان ارتقاء یافت.

★ فدائی شهید رفیق

اسعد یزدانی

رفیق اسعد، فرزند شایسته خلق کرد زحماتکنان آگاه بهمنگر فدائی بر سال ۱۳۳۹ در روستای قنبر زنده توخان آباد بخش سروآباد صربان متولد شد. او از همان ابتدای کودکی زندگی اش با فقر و صیه روزی آغاز گردید و به دلیل محدودیتهای مالی خانواده کسی از صربیه های بهمنگر پنج می بود. با این وجود از خود علاقه زیادی به تحصیل نشان داد و بهر از تحصیل برای تأمین مخارج تحصیل بهر از ضیق مالی خانواده زحماتکنش خود ضمن تحصیل به کار نیز بهر ازاد.

قیام بهمن شاهر را به خیل صابران خلق کشانید و او نقش فعالی در جریان سازماندهی دانش آموزان و توده های مردم ایفا نمود. بهر از سرنگونی رژیم شاه در ارتباط با سازمان بهمن پرداخت و در اشاعه خط و نفوذ انقلابی سازمان در بهمن

★ فدائی شهید رفیق

محمود امین زاده

رفیق محمود امین زاده در سال ۱۳۴۵ در یکی از خانواده های زحماتکنان روستاهای حومه سقز متولد شد.

محمود بهمنگر که ای جوان بود که زندگی گوناگون تمامه در

گندش با فقر و گرمشی صبری گشته بود او که در خانواده ای فقیر زندگی می کرد از دوش خواندن محروم گشت و توانست بهر از حد مثال به حد صبر بود.

ناچار گشت تمام وقت خود را صرف کار برای امرار معاش خانواده نماید او بهر از توده های خلق در سرنگونی رژیم شاه شرکت جست و بهر از سرنگونی رژیم شاه شاهد بود در صحنه ۲۳

یادری را از خود نشان میداد که هر کدام از آنها با جدایت خاصی در پیوایشی و ارتقاء روحیات جمعی مشغول واقع می گشت.

اورفتی قیام، محبوب و بیگانه بود و با بحثی و توانائی شایان توجهی به وظائف سازدانی خود بسجورد می کرد و همواره برای پیشبرد امر سازمان از خود فداکاری و تلاش خستگی ناپذیر نشان میداد که سرانجام نیز در سنگر پر افتخار سازمان که از اعضای کتب گشت بدان عشق می ورزید، بخاک افتاد و جهان باخت. نامش جاوید و یادش گرامی باد!

و خود نیز در نهضت تجرد و ارتقاء آگاهی سیاسی و کمونیستی کوشش فراوان نمود. رفیق حیدر در ادامه حرکت انقلابی خود و برای تداوم هدفند آن به سازمان پیوست و فعالیت خود را در این سنگر ادامه داد اما طولی نگذشت که به علت فعالیت و تحرک انقلابی از سوی رژیم شناسائی و مجبور به ترک محل زندگی خویش گشت. برای ادامه مبارزه اش به صفحی پیرمرگان فدائوسی پیوست. حیدر در جمع همزمان خود همواره چهره قابل و نمایانی بود و در نزد کلی جمعی خصوصیات

فدائی شهید رفیق

مراد میرزائی

رفیق حیدر پیشمرگه آگاه در سال ۱۳۳۸ به تخت بمطام ایلام تولد یافت. او همسر از دوره تحصیلات متوسطه اش به کار معلمی در روستاهای اطراف کرمانشاه اشتغال یافت.

حیدر در جریان مبارزات سالهای ۵۶ و ۵۷ نقش بسزائی در روستاگری توده های مردم و افتخار چهره مشهور رژیم شاه ایفا نمود.

فدائی شهید رفیق

فریدون بانهای

با سازمان قرار گرفت و از آن به بعد فعالیت تشکیلاتی اش را در سنگر سازمان چریکهای فدائوسی خلق ایران ادامه داد. بعد از انشعاب جریان موسوم به اکثریت و خیانت آنها به انقلاب و مبارزات برجسته خلق کرد رفیق فریدون به پیرانه و سرخندان با صوابی آنها مبارزه کرد و از جناح انقلابی سازمان به دفاع پرداخت. رفیق فریدون که هنوز تحصیل را به پایان نرسانده بود سرکوب و ظلم و فشار رژیم ارتجاعی

فریدون در سال ۱۳۴۴ در به خانواده به همگامی در شهر سقز بدینجا آمد. رفیق بانای که دوران تحصیل به پایان نموده بود و من بسیار کمی داشت در سال ۵۶ در مبارزات توده ها علیه رژیم دیکتاتوری شاه فعالانه شرکت می کرد. بعد از قیام ۲۲ بهمن ۵۷ و روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی به فعالیت و مبارزات خود ادامه داده و صاهیت این رژیم را نیز ترک نموده بود که این رژیم حامی و حافظ سرمایه داران و بهیم سرمایه داری می باشد. از این رو بعد از قیام در ارتباط

جمهوری اسلامی برایش تحمل ناپذیر بود و تصمیم گرفت به صف پیشمرگان فدائوسی پیوستند.

او رفیق سرور و بیگانه بود و در انجام وظائفش از تحریک بالایی برخوردار بود و از همین رو بعد از اینکه به صفوف پیشمرگان سازمان پیوست تا لحظه شهادت با عشق عمیقی نسبت به کارگران و رنجبران یکدم در حقانیت خط و منی و آرمان سازمان تردید نکرد و جان خود را فدای راه سرخ آن نمود.

یادش گرامی باد!

به رنجش بهنگه جمهوری اسلامی هرچه بیشتر برایشان آتیا افزوده است.

محمود برای ریشه کن ساختن، ظلم و ستم و تشر و بدبختی تصمیم گرفت به صفوف پیشمرگان خلق کرد پیوستند. او به سازمان ما روی آورد و در کنار پیشمرگان فدائی سهم خود جرم کرده تا آخرین نفس علیه جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری بزرگ او در جبهان عطیات ۲۳ بهمن توسط مزدوران رژیم و دشمنان کارگران و رنجبران در حالی که قربانانده می جنبید با تلبی برکنش نسبت به سرمایه داران و حاکمان مستقیم بر راه خود استوار ایستاد و سرش را خرد غلطید و جان خود را فدا کرد.

یادش گرامی و به خاطره اش جاودان باد!

جمهوری اسلامی افزوده و تصمیم گرفت بعضی از آنرا به کردستان بفرستند و در صفوف پیشمرگان سازمان علیه مزدوران رژیم جنگند.

در مدت کوتاهی که او در کنار پیشمرگان فدائی در حرکت بزرگ بسیاری شامل مبارز انقلابی از خود شدن داد جمهوری که بزرگی زد بود. رفقای خود گشت. رفیق ابراهیم در خط عطیات سرشکوه ۲۳ بهمن با گلوله مزدوران درخین خود غلطید و جان باخت.

یادش گرامی باد!

از صفحه ۲۱

فدائی شهید رفیق

محمود...

که نه تنها باز هم ظلم ستم و استعمار از زندگی توده های رنجکش رخت

فدائی شهید رفیق

ابراهیم کردی

رفیق ابراهیم کردی در سال ۱۳۳۱ در یک خانواده رنجکش روستائی در منطقه "دانشکستان" ضولک شد. او بدلیل تنگدستی نتوانست مدت زیادی به تحصیل بپردازد. و زندگی اش در فقر و صکت گذشت. بعد از قیام در جریان مقاومت توده های خلق کرد علیه یورش مزدوران به کردستان برای کمک رسانی به سازمانهای انقلابی و یاری رسانیدن به پیشمرگان تلاش زیادی از خود نشان داد. ابراهیم برای کار راهی تهران شد و در آنجا به کارگری پرداخت تا اینکه پس از ۳۰ خرداد ۶۰ طی برخورد با افسران حزب اللهی توسط صهابه پاسداران دستگیر و به مدت ۱۱ ماه به زیر شکنجه کشیده شد. رفیق در مدت اسارت برکنش و نفرت خود نسبت به حاکمیت

★ فدائی شهید رفیق خر رضائی

رفیق خر رضائی (جعفر)
در سال ۱۳۴۱ در یک خانواده
زحمتکش در شهر خلخال متولد
شد. تحصیلاتش را در شهرهای
خلخال، تبریز و تهران گذراند.
رفیق در جریان قیام بهمن ۵۷
در نبردهای خیابانی فعالانه شرکت
کرد. پس از قیام جعفر با
سازمان آشنائیت و در ارتباط با
سازمان به فعالیت پرداخت.
فعالیتهای رفیق چنان وسیع و
گسترده بود که بارها در تبریز
توسط مزدوران رژیم دستگیر شد
ولی به دلیل عدم وجود مدارک
کافی جنسی بر تماس او با سازمان
هویار با عیشیاری و نسکی خاص
خود از جنگ مزدوران رژیم
نجات می یافت.

جعفر در جریان انصباب
بدلیل ضيقه طالی از تبریز
به تهران رفت و همین مسئله
رفتارش به تهران باعث شد که
تماسش با سازمان قطع گردد. اما
جعفر مانند هر فدائی دیگر با
ایمان خلل ناپذیر خوشتر به
سازمان و سازمانش، موفق گشت
دوباره با سازمان تماس بگیرد.

بعد از مدتی رفیق



★ فدائی شهید رفیق

بهنام

قاسم زاده رضوی

رفیق بهنام یکی از رزندگان
عملیات ۲۳ بهمن در سال ۱۳۴۷
در شهر باسل در خانواده ای
زحمتکش متولد یافت. آغاز فعالیت
و مبارزه او هادی با گسترش

ناچاراً تهران را ترک نمود و
تصمیم گرفت برای ادامه فعالیت
انقلابی به صف پیشمرگان سازمان
در کوردستان بپیوندد.

در کوردستان مدتی در صف
پیشمرگان حزب دمکرات به
فعالیت پرداخت تا اینکه پس از
مدتی با سازمان تماس گرفت و به
صف پیشمرگان فدائی پیوست.
جعفر در چندین عملیات
نظامی همراه پیشمرگان تهران
فدائی شرکت نمود. سرانجام در

★ فدائی شهید رفیق

اسماعیل پروگر

رفیق اسماعیل فسرزندی
زحمتکش کوردستان در روستای
"قروچا" از توابع بوکان دیده به
جهان گشود دوران ابتدائی را
در همان روستا به پایان رسانید
و برای ادامه تحصیل به بوکان
رفت. رفیق که در یک خانواده
زحمتکش روستائی به دنیا آمده
پس از همان اوایل زندگی در
ورج را با گوشت و پوست خود
لبر نموده بود. در طی دوران
تحصیلات راهنمایی بود که رفیق
مادرش را از دست داد. شور
انقلابی او در شرکت فعالانه

جنگش توده ای علیه رژیم شاه و
قیام ۲۲ بهمن بر رفیق بهنام
پس از قیام در قائم شهر با رفقای
سازمان در تماس قرار گرفت و با
دست زدن به کار تبلیغی و ترویجی
و طرح مواضع انقلابی سازمان
در بین توده های زحمتکش
پرداخت.

بهنام در جریان انصباب
خاتین اکثریت به مقابله با
آنان برخاست و به دفاع از خط و
ضی انقلابی سازمان پرداخت.
و با تماس تون و شوری انقلابی و
ایمان به پیروزی کارگران و
زحمتکش برای پیشبرد خط ضی
انقلابی سازمان تلاش ورزید. او طی
دوره فعالیت غنی خود در یک
پورش خیابانی در سال ۵۹ توسط
پاداران مزدور دستگیر و پس از
مدتی آزاد گردید.

پس از پورش صراصری جمهوری
اسلامی به سازمانهای انقلابی

عملیات جاده مقبره بوکان کنده
بشمیت سالروز حماسه میاهنگ
و قیام ۲۲ بهمن تدارک دیدند
شده بسوزد و لیسرا نه تا آخرین گوله
با دشمنان آزادی و کارگران و
زحمتکشان جنگید. و حاضریت
تسلیم در برابر مزدوران نشد و
قهرمانانه با انفجار تاراجک خود
تعدادی از مزدوران رژیم را به
هلاکت رساند و جان خود را نیز
فدای رهاغی کارگران و
زحمتکشان نمود.
یادش گرامی باد!

برای سرنگونی رژیم پهلوی نقطه
بست و برای ادامه مبارزه علیه
دشمن خلق و رژیم ارتجاعی
جمهوری اسلامی مبارزه را در
صف پیشمرگان فدائی یافت.

رفیق اسماعیل از امفند
ماه ۶۰ در جنگ سازمان و در
جمع پیشمرگان قرار گرفت و در
بیماری از عملیات های نظامی
سازمان در کوردستان شرکت
جست تا سرانجام در عملیات
حماسه آفرین ۲۳ بهمن در نبردی
شجاعانه قلبش آماج گلوله
مزدوران قرار گرفت و زندگی
کوشانش را وقف رهای کارگران
و زحمتکشان نمود.
یادش گرامی و
راهش پر رهرو باد!

رفیق بهنام برای پیشبرد دوره
آموزشی به کوردستان آمد تا با
شرکت در دوره های آموزش نظامی
سازمان و ارتقاء تواناییهای خود
فرآگیری آموزشهای سیاسی -
نظامی هرچه کارآمدتر مبارزه
انقلابی را ادامه دهد.

پس از مدت کوتاهی رفیق
بهنام در صف پیشمرگان فدائی
قرار گرفت. او طی نخستین
عملیات نظامی خود در سنگرهای
کوردستان در محاصره انبیه
مزدوران رژیم از خود مقاومتی
حماسی نشان داد و سرانجام با
شدت آتش مزدوران هدف گلوله
قرار گرفت و جان خود را شوقه
رهای کارگران و زحمتکشان
ساخت.

یادش گرامی باد!



گرامی باد یاد شهدای به خون خفته خلق



بروایان رنگای سووری گه له
دریمنی حه ماسه ی سیاهه له
خورتنه ری ته سپریالیزمه
وه دی هینه ری سوسپالیزمه
* * *
سویندبسی خونه ویسته کان
شه هیده کانی مانگی رینه ندان
نیمه گشت هاورری بان
به دریوه داتی رنگای بیرورتان
ته لیم :

هه ره شه کاره بی ئالاکه مان
تالای سووری فیدائیان
یو له ناو بردنی کیتله داران
یو ده سه لاتی ره حه تکیهان
به کیتکی کریگاران
به داسی جوتیاران

* * *

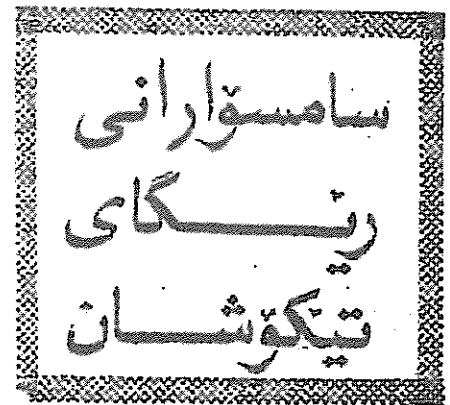
(سه نگار)

وخت تو ویا
وخت تو گریه بگریه می هیدان
* * *
چالاکان نان نوانو له دور مه یدان
به خه بات له گه ل دژ به هه داران
هاوکاتیر له گه ل خومالیسه کان
ته وانه ی که بو ده سه لاتیان
سووریان کرد ده ستیان
به خونی ئالتان

* * *
به لام ته ی پینره وان
ساسوارانی رنگای تیکوشان
شه هیدانی ری به ختاری که لان
به سوور بوون له سه ره بریوی بیرورتان
کریوشتان هین به هه ل به رستان

* * *
دیمان توله وگرتنی توله
به بریو به جهک ته کریمن توله

به پونه ی بیره وه ری له شه هیدانی
حه ماسه خولقینی ۲۳ رینه ندانی ۶۱
"شه هید مه سوور و هاورری یانی"



هه ستیک له نه رین دایه
هه ستیک که له سه ره یه ک بریویسه
بریوی گرتنی توله
توله ی تو
ته وانه ی وخت تو بوون

روزگار خود و وظائف مردم جنسش
توسعه ای ایران دارد.

بگذار در مسائل خود شهادت
ارانی، این انقلابی استوار و
پس از آن با پیرویی که بر نقیض و
جایگاه او و گروه او می افتد
تاریخ تاریخی فعالیت نهی او را
که در دوران حیات هلی خود
در حزب توده مرکزی امکان تصحیح
نیافت به ارزیابی کشیده راه آینده
را از طریق نقد واقعیت آنچه که
ارانی بود و تفکر او بر میری
عولایی از خود برجای گذاشت
هموارتر سازیم و همانگونه که
در بحث طرح برنامه ما زمان
چهره های شدایی خلق ایران هندی
حرکت خود را از راه اولیست
حزب کمونیست ایران قرار داده
است نام حزب کمونیست و برنامه و
فصل حاکم بر حرکت آن را از زیر
آوار حجیم بی برنامه ای و
ایورتونیسم و خیانت پیشگی حزب
توده بیرون کشیده و ریح زندگی
حاکم بر برنامه نخستین حزب
کمونیست ایران را در حرکت امروز
خود تجسم بخشیم و به عنوان
پیشینه قدرت در حرکت تاریخی
امروز جنبش کمونیستی ایران
در فعالیت عظمی و حرکت هدفمند
خود زنده نگاه داریم.

از صفحه ۱۷

ارانی

آغاز راه گروه ارانی، جنبشگر
و کسود و در کارنامه حزب
خائن به طبقه کارگر توده را
از همان نقطه ای تریون شکست
خود دنبال نموده و میراثی
تفکر حاکم بر این تفکر اولیه را
در تمامی مسیر فعالیت آینده آن
به اشکال گوناگون باز یافت. تنها
تفاوتی که می توان در این پروسه
بر آن انگشت گذاشت تبدیل
تدریجی شور انقلابی اولیه حاکم
بر فعالیت ارانی و گروه او در
سالهای فعالیت حزب توده به
ایورتونیسم بکران و نهایتاً
ارتداد کامل این جریان در
تحول نهاده آن است.

نقش حزب حزب توده در
سالهای ابتدای جنبشگر
و تسلیم طلوع و ارتداد آن در
سالهای بر تلاطم مبارزه طبقه
کارگر ایران در طول نزدیک سه
دهه گذشته ایران، ریشه در
همان انحراف آغازین ارانی و گروه
او در سرک از شرایط خود میبرد

آشکار ساخت. تشکیل حزب توده
هر چه بیشتر روشن نمود که
دیدگاه حاکم بر این محفل و گروه
او از جهات عمیق طبقاتی
برخوردار بوده است. در حقیقت
تفکر حاکم بر این گروه تنها
زمانیکه گام به حوزه عمل نهاد و
در حزب توده ایران به عمل از
شهر مور ۲۰ تجسم یافت بهر از همه
ماهیت خود را آشکار ساخت و در
مسیر طبیعی خود جایگاه طبقاتی
صحن خود را باز یافت و در روند
حرکت خود بنام طبقه کارگر میر
تشکل طبقه کارگر و اهداف آن
در مبارزه طبقاتی صحنه ساز
ضریات مملکتی را وارد نمود.

امروز به حرأت می توان
گفت دوران فعالیت گروه ارانی و
ادامه آن در حزب توده ایران
در حقیقت دوران بازگشت به
تشکلهای غیر حزبی و قدرت طلوعی
در جنبش کمونیستی ایران و
حاکمیت تفکر غیر کمونیستی و
تسلیمات ایورتونیستی خسرو
بورژوازی و بورژوازی بورژوازی
کمونیستی ایران و دوران گشت
از نخستین تشکل کمونیستی و
برنامه کمونیستی در ایران است
دورانی که بدون شک اولین
عوانه های آن را باید در همان

از صفحه ۳۰

حزب دمکرات . . .

را کرده است و یا بهتر است گفته شود حزب دمکرات چه چیزی را می خواهد از زبان این صاحبه اشعه دهد که خود او و عیسایم برخی اقدامات عظمی خود آشکارا نمی تواند و بی... نمی خواهد از آنها سخن بگوید.

بهتر است نخست یکی روی این صاحبه واره بنمائیم تا حکمت نهفته در آن و راز شیفتگی حزب دمکرات به این صاحبه بیشتر و بهتر روشن شود.

نکته اصلی صاحب مذکور - با حداقل آن قسمت هایی از صاحب که حزب دمکرات برای پخش از رادیوی خود انتخاب نموده است، در یک جمله خلاصه می شود و آن این که:

"حاکمیت جمهوری اسلامی کلاً تثبیت شده است . . . البته با یک تبصره شرطیانه: "لا اقل برای مدت نسبتاً قابل ملاحظه ای" امری که به نظر معتبر صاحب نظر حزب دمکرات:

"نیروهای ایدئولوژیک بخصوص مارکسیست های نااهل الخلق اصلاً" توجهی به آن ندارند" (آنگاه هنوز هم به تثبیت حاکمیت اقتصاد ندارند.

البته لازم به تذکر نیست که صاحب نظر کامل الخلقه و تازه مکشوف حزب دمکرات چیز تازه ای نگفته اند. سابقاً اینگونه ترمیم های شخصمانه ضعلق به صاحب نظران و هیالکی های کینه گارتر ایشان از قبیل بنی صدر و دربار مدنی و غیره است که قبل از ایشان اقتدار اسلام این تثبیت را به خود اختصاص داده اند و چشم و دل ضادیهان تحولات احتمالی درونی این رژیم تثبیت شده را ضرور فرموده اند و طی نامه های صوفی خطری را که نه تنها رژیم جمهوری اسلامی، بلکه کلیت بورژوازی ایران را تهدید می کند گوشزد کرده اند و برای این تثبیت برنامسه هم ارائه داده اند. البته از حق نباید گذشت صاحب - نظر حزب دمکرات کردستان نیز تنها به این افادات مغظمه پسنده نکرده است. بلکه این لیبرالی کامل الخلقه نیز ضمن جمله به کمونیستها، که این روزها بسسه ترجیح بند تمامی جناح هبای

بورژوازی و پروپاقرص ترین نمایندگان آنها بدل گفته است، به ارائه راه حل هم پرداخته است و در حین حال جمهوری اسلامی را نیز از رهنمودهای راهیانه خود بی نصیب نگذاشته است. ایشان می گویند: رژیم جمهوری اسلامی در یک دوره تاریخی نمی تواند دوام بیاورد . . .

(چطور مگر تثبیت نشده است) . . . مگر این که از خر شیطان پیاده شود و از افتخار حکومت الهی شیمه با مختمات اجتماعی مورد نظرش صرف نظر کند . . .

جمهوری اسلامی اگر مغز خسر نخورده باشد باید هم به حرف ایشان گوش کند و برای بقای یک دوره تاریخی حکومت تنگن خود از خر شیطان پیاده شود. ولی برخلاف میل صاحب نظر حزب دمکرات، جمهوری اسلامی مثلاً این که بناگذاشته این مغز محترم را تساول فرموده اند و هر چند که صاحب مورد نظر و حرکات و اقدامات پیروان چنین ترمیم هایی حاکمی از ناباوری ایشان به این ساله باشد.

با این حساب حزب دمکرات فکر نمی کند در حق بنی صدر و مدنی و آشاکیم کم لطفی نموده است که سرامات ایشان را از افتخار بخش از راه سودای کردستان محروم ساخته است. مگر آنها چه چیزی کسر از این گفته بودند؟ مگر بنی صدر از آیت الله خمینی نفوخته بود که با یک کلمه توبه فرماید و همه چیز بر وفق سرار گردد و از خر شیطان پیاده شود؟ مگر تیمسار مدنی پا را از صاحبه مورد نظر بسیار فراتر نهاده بود؟ اگر صاحب مورد نظر حزب دمکرات فقط رهنمود می دهد که چرا باید از خر شیطان پائین آمد، دربار مدنی راه و روش پائین آمدن از این خر را هم که نشان داده بود و در این زمینه آمادگی کامل خود را برای التزام در رکاب دار دسته های حاکم حتی بعنوان خاک پای حکام الهی و ملوی ضرور آنان از این خر شیطان را نیز اعلام کرده بود. مگر نقطه عنایت همه این حضرات همین تثبیت حاکمیت نبوده و نیست؟

اما باید گفت حزب دمکرات چندان بی گدار هم به آب نمی زند. هاشیمه مورد نظر حزب دمکرات یک فرق حزبی مسلماً نه در ضمن، بلکه در شکل ارائه دارد. اولاً "صاحب کننده با چهره چپ (البته با چاشنی فلیظ حمله به

کمونیستها) با سرهنه وسط ماجرا رسیده است و فرقی است بین این چهره و آن چهره های مشهور خاص و عام. ثانیاً ایشان یک فرق دیگر نیز با حضرات هم نظر خود دارد و آن هم این است که ایشان مرتب می گویند: رژیم جمهوری اسلامی سرنگون خواهد شد.

برای آنکه اشتباهی رخ ندهد بلافاصله اضافه می فرمایند: "اما نه به این زودی" این کار (یعنی سرنگونی) زمان و تدارکات می خواهد. و این زمان و تدارکات صلاً "احتیاج به خیلی چیزها دارد. درست است دوستان دمکرات!

حتی رژیم جمهوری اسلامی نیز از جرات این مخنگوی غیرصنتم حزب دمکرات در اعلام تثبیت خود برخوردار نیست. سخنرانی های هیئتیک خمینی و استاد و مدارک خطرناک رفتن جانی در مورد فعالیت های زیرزمینی در زوب آهن و سرچشمه در همین اواخر کما و تثبیت حاکمیت و از دستور خارج ساختن سرنگونی آن پد نیال زمان و تدارکات برای سرنگونی دادن کجاء؟

حرف صاحب نظر حزب دمکرات کاملاً بجاست چرا که باید اول عکسار را کشید و بعد در مورد فوائد و زوائد آن سخن گفت و زمینه را آماده ساخت برای صحنه بعدی که سارگیر طرار وارد صحنه شود و در این سار بدجنس را بکشد. سارگیری که گویا از تمامی فنون سارکه مارگیری آگاه است.

اما اگر تا اینجا صاحب نقش بازی می کرد و ذهنیت ها را آماده می ساخت و نقش سار را می کشید و اندر فوائد و زوائد آن سخن می گفت، بعد از اتمام این ضحکه باید نقش پاضیری ایشان، یعنی مارگیر طرار شروع شود و رژیم جمهوری اسلامی را از خر شیطان پیاده کند و آن را از افتخار حکومت الهی شیمه محروم سازد. از هر طریقی که شده بالاخره راهی باید جست و چرا از طریقی مذاکره نه؟ کاری که حزب دمکرات از مدت ها قبل به آن اقدام کرده است هاتگونه که طبق معمول این مذاکرات است صرفاً "برای دست یافتن به فرضی برای تجدید قوا و بدست آوردن زمان و تدارکات لازم".

در صفحه ۲۶

از صفحه ۲۵

حزب دمکرات . . .

آئینه نباید از حق گذشته است
صاحبه در باب ضرورت‌های لازم
برای اقداماتی از قبیل مذاکرات
حزب دمکرات و رژیم و اصرار و
بافشاری حزب بر روی آن همدارهای
لازم را نیز دارد مثل:
"خطر سلطنت طلبیها جدی است"
"شمار بختیار رضا را برادر و
بهار و نظایر آن ۱۴ مرداد ۱۳۲۲ را
نباید فراموش کرد" "پادستان
نمود که مدتی حتی در کرماسکرم
شور انقلابی مردم برای ریاست
جمهوری دو میلیون رأی داشت"
و قس علیهذا.

که انگار حضرات حاکم چیزی کمتر
از اسلاف مورد اشاره حضرات
صاحب نظر دارند. و یا خطر اصلی
سلطنت طلبیها و غیره هستند.
اتفاقاً خطرناک‌ترین این موجودات
و جریان‌ها برای جنبش برخلاف
افاضه صاحب نظر شریف حزب دمکرات
همین بریده‌ها و لبرال‌های
صاحب نظر و همالکی‌هایشان
هستند، که حاضرند شمار صاباره
و خود صاباره را با هر چیزی به جز
صاباره تمیض نمایند و به تقدیر
آن بهر دارند.

وقتی که این صاحبه و حرص و
ولع حزب دمکرات به تمرین و
تجید از این صاحبه و ضمن
این صاحبه را با اقدامات
بعد از پلنوم گفته مرکزی حزب
دمکرات در تابستان گذشته کنار

هم قرار داده و دفاع بی پروا بر گرد
حزب دمکرات از اداه مذاکرات
خود با رژیم را در شرایط کنونی
و با وضعیتی که رژیم دارد به آن
افاضه کنیم، برای هر خواننده‌ای
این سوال طرح می‌شود که
حزب دمکرات در بخش این
صاحبه چه هدفی را دنبال
می‌کند. این هدف می‌تواند
چیزی غیر از ترغیب تجمیعات
لازم برای ادامه مذاکره با
رژیم و از دستور خارج ساختن
سرتنگی رژیم و پیوستن به
دار و دسته شبیه آن باشد؟

صلاً حزب دمکرات می -
جست این صاحبه را ضمیمه
زبان الکن خود در دلباع از
مذاکرات خود با رژیم و اصرار
مکرر بر ادامه آن، نموده است.
تا آنجا که این اصرار اخیر منجر
به اختلافاتی در اتحاد بورژوا -
فرضیتی و در حال تلاشی شورای
ملی مقاومت و خط و نشان
کشیدن‌های طرفین یعنی
مجاهدین خلق و حزب دمکرات
یعنیان دورکن اصلی این
اتلافی روبرو زوال نیز گردیده
است.

اتلافی که تمام هستی خود
را در گرو سرتنگی‌های جا دل دارد -
دسته‌های حاکم و تمیض آنها
با دولت موقت جمهوری دمکراتیک
اسلامی نهاده بود. امری که
مدتها دهان حزب دمکرات را
نیز آب انداخته بود، و اینکه
عدم تحقق آن به سبب سرخوردگی و
پارحزب دمکرات جدل گشته و
آنها به دنبال راه و چاره دیگری
گشوده است. راه و چاره‌ای که
صلاً چیزی بیش از اولی نصیب حزب
دمکرات نخواهد ساخت.

از صفحه ۱۵

حزب کمونیست کومه له . . .

تا بلك حقیر طبقاتی کومه له الصاق
نخواهد کرد، بلکه عرصه را برای
حرکت عظیمی اوچتی در درون
جنبش انقلابی خلق کرد. نیز
هرچه تنگ تر خواهد نمود. امروز
دیگر این يك واقعت روشن و
آشکار است که حزب کومه له قبل از
همه و در واقع امر حزب بلندی
- پروازی‌های خرف و فریبناکه -
خرده پروژوازی دهقانی فعال بر
جنبش انقلابی خلق گرد و یارتان
آرزوها و آمال فروگرفته آن است
که همچون زنجیر آمرتسی بردست
و پای خود او تنیده شده است.

از صفحه ۳۰

یاد فدائی شهید . . .

صارتات توده‌ها در بهمن ۵۷ از
محیط مدرسه آغاز نمود و طبعی
دوران فعالیت تشکیلاتی اثر در
نمونه‌های مختلف از خود انروی
صرف ناپدید و قابلیت زیادی نشان
داد و با کار خستگی ناپذیر بخش
مهمی از بار تشکیلات شهر را بر -
دوش کشید. هیچ چیز قادر نبود
اراده خلل ناپذیر فاطمه را سخت
نماید. او بارها مورد ضرب و شتم
مزدوران رژیم قرار گرفت. سه بار
بخاطر افشاگریهای شجاعانه‌اش
در مدرسه از ادامه تحصیل محروم
گشت و چند بار نیز به زندان کشیده
شد. با این وجود هر بار پس از
آزادی باز هم فداکارانه در صف
پقدم صاباره حضور یافته و بر
آرمانهای سازمانش اصرار می‌ورزید.

فاطمه آخرین بار در ادامه
صاباره انقلابی در تاریخ ۱۳/۱/۶۳
در مسیر و به مدت ۸ ماه در اسارتگاه
رژیم بنیر شکنجه کشیده شد. اما
او بر عهد و پیمان خود با خلق
وفادار ماند هرگز لب به سخن
نگشود و اصرارش را در سینه محفوظ
داشت. فاطمه در برابر هر تدبیر
حلازان جواب "نه" را در برابر
شان قرار داد چیزی که هر بار
مانند پتکی سنگین بر سر آنان
فرو ری آمد و هر بار فاطمه با
قاضی استوار و روحیه‌ای مقاوم تر
خود را برای تحمل شکنجه‌های
بیشتر آماده می‌ساخت.

تا اینکه سرانجام مزدوران
از شکنجه‌های مداوم ناکام گشته و
فاطمه را محکوم به اعدام کردند.
سرگ فاطمه چون امواج يك
انفجار بزرگ در بند زندان
پنجر پیچید و دیوارهای بلند
آنها به لرزه درآورد چرا که او
بحسب يك فدائی خلق در شرایط
در برابر جوخه آتش قرار گرفت و با
عشق صبیق به کارگران و زندگانشان
سرب مذاق را پذیرا گشت که
مزدوران رژیم از لاشه‌های ضمعن
ضحتی بی مقدار و خائن غروصکهای
کوکبی ساخته و آنان را بر سرای
تضعیف روحیه مقاومت در جمیع
زندانیان سیاسی رها ساخته بودند
در تلاش بودند که تا فاطمه را چون
آن مرده به ورطه سقوط سوق
دهند. لیکن او با سرگ صرخ
خود بر قدر قدرتی مزدوران
پیروز شد و آنان را به زانوسر
درآورد.

پادش گرامی
خاطره‌اش جاودان باد!

از صفحه ۱۸

رهبران شوراهای

سازمان و در عمل چنین و هراس
اپورتونیست و خائنانه آن راه را
برای تخطئه درونی این مقاومت و
سازمان انقلابی زحمتکشان خلق
ترکمن باز گذاشت و عملاً علیه هم
تمایل و گرایش قهری توده های
زحمتکش برای مقابله با رژیم
شوراهای در معرض صدمت کوتاهی
دست بسته تسلیم سرجمعین حاکم
گشت و نیروی رهبران شوراهای
خلق ترکمن این امر را تسهیل نمود.

اما اگرچه به شوراهای خلق
ترکمن خیانت شد و دفاع از این
شوراهای و احیای مجدد آنها در
شرایطی که بعد از این شکست بر
منطقه حاکم گردید عملاً نتوانست



جاودانه از دوران رهایی بشریت
از ظلم و جور و فقر و بدبختی
این بار نه بصورت افسانه ای
در دست و روایی در عالم تخیلات
ارسانخواهانه زحمتکشان بلکه
بعضیان تجربه ای عینی و نزدیک
در خاطره توده ها نقش بست. و
قهرمانان این حماسه خونین و
گرانبار به رنهای افسانه های
دهقانان ترکمن صحرای راه یافت و
به چهره های محبوب این
جهان شکست آطل و آرزوهای آنان
صدا گشت.

بگوئیم در حالگرد شهادت
این قهرمانان مبارزان حق طلبانه
خلقبای تحت مسم این رهبران از
تجربیات شکوهمند خلق ترکمن در
تجسم بخشیدن به حق تعیین
سرنوشت خود از طریق نهجیان
ارگانیای اقتدار توده های زحمتکش
بیاسیم.

از صفحه ۸

حمایت توده های زحمتکش از

بیشترگان خلق کرد و تلاشهای ...

این چنین از زحمتکشان که به
همراه آنها آمده اند می پرسند
شما نمی ترسید آنها نیز در
جواب می گویند نه ما هم مثل شما
و بعد از یک سری سوال و جوابیاتی
در این زمینه و تیراندازی های
بی هدف مزدوران رژیم
زحمتکشان را که حاضر به کمک به
آنها شده بودند دستگیر و به
داخل پایگاه سیاه می برند و
مورد آزار و شکنجه قرار می دهند
و از آنها می خواهند که دیگر به

آنها مردم را جمع کرده خود را
بیشترکه سازمان چریکهای فدائیان
خلق ایران معرفی می نمایند
و به سبزه خطه به پایگاههای رژیم
با آنها صحبت می کنند و دست آخر
از زحمتکشان این روستا می خواهند
که در خطه به پایگاه سیاه آنها
را باری رسانده و در حمل مهمات
به آنها کمک نمایند. چند نفر از
اهالی روستا نیز قبول کرده
همراه آنها به اطراف پایگاه
سیاه می روند.

مزدوران رژیم بهمد از
استقرار در تپه ای بین پایگاه
سیاه و روستای گانی هه ل سو
شروع به تیراندازی می کنند و در

بیشترگان برای حفظ به پایگاههای
رژیم هیچ گونه کنشی نمایند و
بسیار با قند و تمهید آنها را
آزاد می نمایند.

لازم به تذکر است که چند روز قبل
از این اقدام مزدوران رژیم
بسته ای از پیشمرگان فدائیان
ترکمن به تیراندازی می پرداختند
و در نزدیکی این پایگاه
اقدام به شورش کرده و با
مأموران و یگانهای ارتش و ترانک
نموده بودند و زحمتکشان
روستاهای اطراف از خطه اهالی
همین روستا از حضور بیشترگان
سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران
در منطقه مطلع بودند.

از صفحه ۲

وضعیت ناشی از درگیریهای

کشوری حکم می کند که سرعلا به
درگیریهای نظامی حزب دمکرات
و کومه له پایان داده شود.
اختلافات دونهرو در چارچوب
معینی مبتنی بر اهداف انقلابی
خلق کرد و اصول دمکراتیک ناظر
بر آن معصور گردد و راه حل
سیاسی بعنوان جرای اصلی حل
چنین اختلافاتی پذیرفته شود.
و از هرگونه درگیری نظامی و

تهدیدات غیر متوازن از سوی
دوطرف جدا خود داری گردد.
این امر نه تنها به نفع جنبش
بلکه به نفع هر کدام از دونهرو
نیز هست که از تشدید وضعیت
کشوری بپرهیزند و تا فرصت باقی
است از درغلطیدن به دام
انتقام کشی ها و شکار نیروهای
یکدیگر اجتناب ورزند.

جا دارد در اینجا یکبار دیگر
به حزب دمکرات گوشزد گردد
در شرایطی که کومه له آمادگی
خود را برای حل اختلافات دونهرو

با حزب دمکرات و دونهرو مسائل
سرچشمه به درگیریهای سیاسی را
از طریق سیاسی نظامی کرده است
دست از سیاست خارج و غیر اصولی
خود برداشته و به آمارهای خود
را برای پایداری و تکیه به بهر
گفتنی که مسئولیت ادامه این
وضعیت را به عهده حزب دمکرات
است نظامی نمایند. و به خاطر
خواب رفته بارها به این گفته
را آورده اند که دونهرو را از تشدید
به هر گونه درگیری خودداری
نموده و دونهرو را تهدید

سهرکه و توبی پروتته و دی شورشیگرانه ی که ئی کورد

اخباری از جنبش مقاومت توده‌های

مزدوران

مزدوران رژیم در جهت اجرای سیاستهای ارتجاعی خویش، گسترش پایگاههای نظامی رژیم در مریوان برای چندمین بار از مردم چند روستا و از جمله "ترخان آباد" بیله "نخ آباد" و ... می‌خواهند که زمینها و خانه - هایشان را به دولت بفروشند و سند فروش آنها را اضا بنمایند. مردم روستا چون گذشته حاضر به این کار نشده و در برابر آنها ایستادگی و مقاومت می‌نمایند.

مزدوران که در برابر اعتراض و مقاومت اهالی روستا عاجز و ناکام می‌مانند

دست به حيله ديگرى زده و مزدورى را بعنوان نماینده خصيتى به روستاى "بيله" مى‌فرستند تا بلكه مردم را در تن دادن به سياست رژيم ترغيب نمايد. نماینده خطاب به اهالى مى‌گردد: "امام ما فرستاده كه سند فروش زمينها را اضا نمانيد. مردم بى اعتنا به سخنان نماینده مزدور به اعتراض خود ادامه مى‌دهند و اين تلاش رژيم را نيز بى نتيجه باقى مى‌گذارند. لازم به ياد آوريد كه مزدوران رژيم قيمت هر متر زمين را از قرار ۳۰ تاى تعيين كرده اند.

مزدوران

روز ۱۰/۳/۶۴ مزدوران رژيم برای دستگیری جوانان به روستای "نومار" یسورش می‌برند. مردم با هشیاری کامل جوانان خود را از روستا خارج می‌نمایند. به محض ورود مزدوران دست به اعتراض جمعی می‌زنند. درگیری بین زحمتکشان این روستا و عوامل رژیم منجر به تیراندازی از سوی سواران می‌گردد که در نتیجه تشدید اعتراضات مردم یاسد از آن مجبور به ترك روستا می‌شوند. مزدوران حین بازگشت، نفر از اهالی را دستگیر و با خود می‌برند. مردم تصمیم گیرند که یکبارچه برای آزادی آن، نفر جمع شده و به پایگاه می‌روند و در صورت موفق نشدن به شهر مریوان رفته به رفتار مزدوران رژیم اعتراض نمایند.

اهالی روستا از پیرو جوان، كه تعداد آنها به ۵۰۰ نفرى مى‌رسيد به پایگاه مراجعه مى‌كنند. مزدوران در اطراف پایگاه مستقر شده و قصد ماندن از ورود جمعیت را داشتند كه مردم با اصرار و با فشاری به پایگاه می‌روند. فرط خشم پایگاه می‌گوید: ای صاحبیت نماینده ای از خود بفرستید. مردم نماینده خود را برای رسیدگی به خواست - هایشان انتخاب می‌کنند. نماینده مردم به فرمانده پایگاه می‌گوید باید آن، نفر آزاد شوند. مزدوران بعد از ظفر رفتن های زیاد مجبور می‌شوند آنها را آزاد نمایند. سرانجام مردم با اتحاد و یکپارچگی و مقاومت خویش موفق می‌شوند که درخواست خود را تحقق - یازند.

مزدوران

نماینده سیناه یاسداران پیروان شهر به نام "ملا رسول" به روستای "هنگه وی" می‌روند و از مردم روستا می‌خواهند که علیه پیشمرگان و جنبش خلقی کرد - اسلحه رژیم را بدارند. این خواست نماینده مزدور و مرتجع با اعتراض مردم روستا شده و مردم یکبارچه وضد بر برابر این سیاست

بوکان

در تاریخ ۱۰/۲۰ یاسداران و جاسپای مزدور با یورش به روستای "ترگانه" از مردم می‌خواهند علیه پیشمرگان انقلابی مسلح شوند. اهالی زحمتکش روستا نسبت

مزدوران مقاومت و اعتراض می‌کنند و حاضر به جنبش نگاری نمی‌شوند. اما رژیم دست بردار نبوده دوباره مزدوران خود را برای صلح کردن اجباری مردم به این روستا می‌فرستد که بعد از "با اعتراض و مقاومت یکبارچه مردم روستا می‌شوند زحمتکشان این روستا قاطعانه و صمیم در مقابل این خواست مزدوران ایستادگی نموده و اقدام مزدوران رژیم را ناکام می‌گذارند.

به این خواست مزدوران اعتراض نموده و با جویبخت در مقابل خواست آنها مقاومت می‌کنند. حین جویبخت می از مزدوران به سوی مردم تیراندازی می‌کنند که طی این اقدام جنایتکارانه ۳ نفر از اهالی روستا شهید می‌شوند.

از صفحه ۷

دومین اطلاعیه

درگیری را نه تنها جدی تلقی ننموده، بلکه هیچگونه تلاشی برای پایان دادن به فضای جنگی موجود با تمامی ابعاد خطرناک آن نشان نداده است. مستقیم است که ادامه این فضای جنگی نه تنها به نفع هیچکدام از دو نیروی درگیر نبوده و نیست، بلکه جنبش خلق کرد را در شرایط گسستی بیش از پیش تضعیف می‌سازد.

به هر حال، با توجه به آمادگی کامل کوهله برای دستیابی به یک راه حل فوری سیاسی، ما گماکان از حزب دمکرات کردستان ایران خواهان سرخودی جدی با صالک و حرکت در جهت رسیدن به یک راه حل مشخص و سرخوبی برای حل اختلافات حزب دمکرات و کومه له هستیم.

لذا ما وظیفه خود می‌دانیم که در راه رسیدن به هرگونه راه حل سیاسی و عاقل برای پایان دادن به این درگیریها بر اساس منافع حیاتی جنبش انقلابی خلق کرد و اصول دمکراتیک ناظر بر آن از هیچگونه تلاشی فروگذاری نکرده و از هرگونه اقدام مشترک نیروهای انقلابی در این زمینه پشتیبانی کامل بعمل آوریم.

کمیته کردستان
سازمان جویکهای فدائیان خلق ایران
۱۰ بهمن ماه ۱۳۶۳

پیروزیان مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلفای ایران

نازدودنی

بنا مبت شمت و یکمین سالگرد درگذشت لنین



بهنگام جنگ جهانی
در سلول یک زندان

ایتالیائی بنام

"مان کارلو"

که از سرایزهای زندانی

صت ها روزها

انباشته بود یک سرایز

سویالیست با مداد کیمه

بر دیوار نگاشت:

زنده باد لنین!

(آن بالا در سلول نیمه تاریک

با خطی سختی ظهور ولی با

حروف بسیار درشت)

همینکه نگهبان آنها دیده

رنگ کاری فرستاد

با یک سطل دوفاب و قلم و

و رنگ کار روی آن نوشته خطرناک

را رنگ زد

چون او با دوفاب تنها حروف را

را آهک مالی کرد

اکسون آن بالا در سلول با خط

آهکی پدید است:

زنده باد لنین!

بر رنگ کار دوم

هم آن را با قلم مو عریض به

رنگ آلود چنانچه سافلی دیده

نمی شد.

ولی دمام صبح

چون آهک خشکید، بار دیگر

نوشته نمودار گردید

زنده باد لنین!

آنگاه نگهبان بنای را با

تیشه ای نیز به جنگ نوشته

فرستاد

او حرف به حرف را

تراشید و خراشید

یک ساعت آزار

چون کارش پایان یافت آنجا

در بالای سلول

گرچه بی رنگ

ولی زرف در دیوار حک شده

با خطی نازدودنی

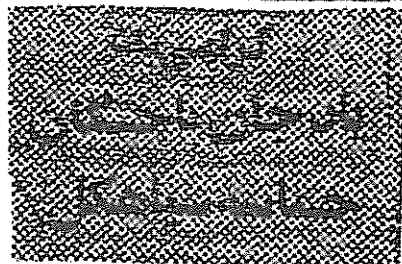
نمایان شد

زنده باد لنین

و سرایز گفت:

"اینک دیوار را صیران کنید"

"برشت"



رفقا:

★ مهدی امحانی

★ جلیل انفرادی

★ احمد فرهودی

★ اسکندر رحیمی

★ هادی فاضلی

★ اسماعیل سمینی عراقی

★ شعاع الدین شیبی

★ هادی بنده خدا انگودی

★ عباس دانش بهرودی

★ محمد علی حداد قندی

★ قزو حسن بهرودی

★ هوشنگ نیری

★ ناصر صف دلایل صفائی

★ محمد رحیم صفائی

★ ورفیق کبیر علی اکبر صفائی
فراهانی

توضیح و تصحیح

با پوزش از خوانندگان در شماره
۲۵ ریگای گدل نیز برخاستی
جا افتادگی ها رخ داده است که
بدین وسیله تصحیح می گردد:

در مقاله "بنام حزب علیه
حزبیت" صفحه اول متون دوم
ضن، سطر ۴، نیز نویسنده با شماره
(۱) مشخص شده است ولی نیز
پایان مقاله آورده نشده است.

که در زیر آورده می شود:

۱- کوه له در این مورد
بی برنسی خود را به کمال
می رساند و با جندل نوین شوم
های تحریف ابتدا بخش اصلی
نظرات ما را حذف میکند و پس
از آنکه ضحکه خود را بجان نظرات
ریگای گدل در ذهن خوانندگان
خود جا انداخت، برای آنکه
مع خود را کبر نیاندازد، چند
صفحه بعد با یک سری سوال
و جوابهای جهت دار که جز

گواه کردن از همان و درهم
ریختن اصول نظری ما هدف
دیگری را دنبال نمی کند دوباره
بخش را که از قلم
آنداخته است از بهلو وار
می کند و ضرافی یکدیگر قرار
میدهد.

ما توجه خوانندگان به
سویالیسم را برای آشنائی
با این بدایع - مودیان که تنها
از خزانه اشعار بهرودی
می تواند تراوش کند به طالع
صفحات ۸۶ و ۸۷ بهرودی
سویالیسم دوره جدید شماره
۱ جلب می کنیم.

در بخش پایانی مقاله "حزب
دکرات و شکل بزرگ آوّه در
متون برخی ملاحظات به چاپ
رسیده است صفحه ۲۶ بین
سطر ۸ و ۷ عبارت زیر جفا
افتاده است:
"نظر سیاسی بلکه از نقطه"

پیشینه مبارکستان

حزب دمکرات و حکمت زبان تاریخی!

اخیراً "راستی حزب دمکرات
کردستان" صاحب ای رهنمون خود
صاحب واره ای راهی چند برنامه
بخش کرده است که صلاً اقدام به
این کار از سوی حزب دمکرات بسی
هدف نبوده و نیست. باید دید
صائل طرح شده در این صاحب
چگونه و چرا جلب نظر حزب دمکرات
در صفحه ۲۵

بمناسبت ۲۱ ژانویه مصادف با اول بهمن
شصت و یکمین سالگرد درگذشت ولادیمیر لنین



یاد لنین

رهبر داهی پروتاریای جهان

بنیانگذار حزب بلشویک

حزب رهبر
نخستین انقلاب سوسیالیستی جهان
انقلاب کبیر سوسیالیستی
را با استواری بر آموزشهای او
گرای می داریم!

یاد فدائی شهید رفیق فاطمه محمدی گرامی باد!

بهشت و ششم بهمن ماه ۱۳۲۱
با رگبار دوشمنان رژیم سینه
بر رهبر رفیق فاطمه از هم شکافت و
قلب سرخش از تپش باز ایستاد و
بدنه‌اش یکی دیگر از رهبران
راستین راه کمونسم در قلعه
سرمایه داران مرتجع پخاک افتاد و
خونش شیشه رهایی کارگران و
زحمتکشان گردید.
رفیق فاطمه در یک خانواده
زحمتکش در سال ۱۳۳۸ تولد یافت
او یکی از فعالین تشکلات سازمان
در شهر صقر بود. فاطمه فعالیت
های انقلابی را در جریان
در صفحه ۲۶

صدای فدائی

صبح کوتاه ردهای

۶۵ و ۷۵ خبر

ملاقات ۸/۵ بمدارظهر ۱۲/۵

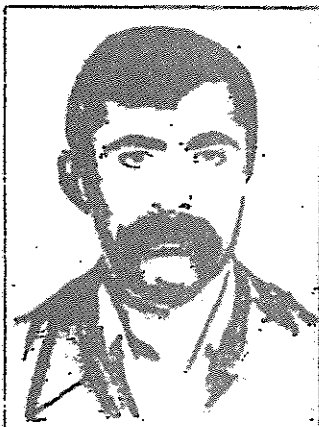
روزنامه



فدائی شهید رفیق مسعود رحمتی

فدائی خلق مسعود رحمتی
فرمانده جبهه و دلیر عطیات
۲۴ بهمن ماه ۶۱ یکی از پسران
انقلابی ارتش یک کمونیست قاطع
و پیکر و فرمانده نظامی
برجسته ای بود که زندگیش را وقف
رهائی کارگران و زحمتکشان و
خلقهای ایران نمود.

در صفحه ۲۰



بمناسبت چهل و ششمین سالروز شهادت

دکتر تقی ارانی

صفحه ۱۶